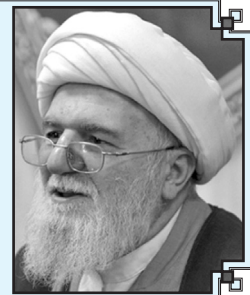




آیت الله محمد علی
تسخیری در گفت و گو
با جوان:

تمدن غرب باید
از برتری طلبی
دست بردارد

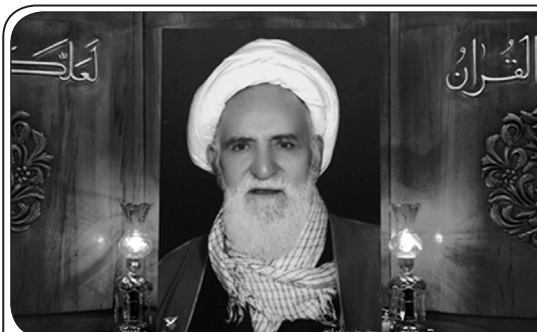


هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از دشمنان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

سال سی و چهارم ♦ شماره ۱۶ ♦ شماره مسلسل ۱۴۶۳ ♦ نیمه اول آذر ماه ۱۳۹۲ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان



حدیث روزگار:

یادی از مبارزی تنها؛
حجت الاسلام شیخ مصطفی رهنما

نویسنده: استاد سید هادی خسروشاهی

صفحه ۶



آیت الله از اکی:

علمای مسلمان اجازه
ندهند اجنبی ها برای
حل مشکلات جهان
اسلام تصمیم گیری کنند

صفحه ۱۰



بیانیه مجمع جهانی
تقریب مذاهب اسلامی
به مناسبت شهادت
حجت الاسلام انصاری

صفحه ۱۰



شیخ نعیم قاسم:

شعار «مرگ بر
آمریکا»
ادامه می یابد

صفحه ۱۲



حجت الاسلام دکتر حکیم الهی
خبر داد:

انتشار هزار جلد کتاب
توسط پژوهشگاه
جامعه المصطفی

صفحه ۳

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا:
علامه جعفری علاوه بر علم ظاهر
از علم نافع نیز برخوردار بود



خبرگزاری شبستان: علامه جعفری علاوه بر علم ظاهر، علم نافع و سودمند را نیز دارا بود و مکارم بسیاری داشت به گونه ای که تمامی کارهایش درس آموز است، او کسی بود که تمام عمر خود را به تامل، تدبیر و نوشتن صرف کرد. مراسم بزرگداشت پانزدهمین سالگرد ارتحال علامه محمدتقی جعفری با حضور و سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سیدعبدالله فاطمی نیا، مهدی فیروزان، مدیر عامل موسسه فرهنگی شهر کتاب، غلامعلی رجایی، از شاگردان علامه جعفری و مشاور فرهنگی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیدجواد میری، پژوهشگر آثار علامه جعفری در مجتمع فرهنگی سرچشمه تهران برگزار شد.

بر پایه این گزارش، حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا طی سخنانی با اشاره به حدیثی از نبی مکرم اسلام (ص) اظهار کرد: پیامبر (ص) حدیثی دارد بر این مبنا که «العلم علمان»، یعنی علم بر دو علم است که یکی علمی است که بر زبان است که در واقع حجت خداوند بر بنی آدم محسوب می شود و علم دوم، علمی است که قلب در باطن وجود دارد.

وی ادامه داد: علامه جعفری علاوه بر علم ظاهر، علم نافع و سودمند را نیز دارا بود و مکارم و بزرگواری های بسیاری داشت به گونه ای که تمامی کارهای علامه جعفری درس آموز است، او در واقع کسی بود که تمام عمر خود را به تامل، تدبیر و نوشتن صرف کرد.

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا در ادامه به شرح نهج البلاغه علامه جعفری اشاره و تصریح کرد: علامه بر نهج البلاغه شرح نوشت چراکه علومى که برای این کار نیاز بود را دارا بود و اساسا شرح نهج البلاغه باید از چند علم مطلع و برخوردار باشد از جمله اینکه عربی قوی داشته باشد و بر فلسفه و کلام نیز تسلط داشته باشد که علامه جعفری تمامی این شرایط را دارا بود.

وی افزود: زمانی که من در سن ۱۵ سال سن داشتم پدرم شرح نهج البلاغه از شیخ محمد عبده را خرید و من مقدمه او را مطالعه کردم؛ البته در سنین بعد نیز این مقدمه را مطالعه کردم تا به سنی که الان در آن قرار دارم رسیدم و هرگز از خواندن این مقدمه سیر نشدم، مقدمه ای که یک شیخ سنی بر نهج البلاغه نوشته است.

این محقق برجسته حوزه دین اظهار کرد: عبده در این مقدمه اعتراف می کند که نهج البلاغه را ندیده بودم و چندین مصیبت و گرفتاری در برهه ای به من روی آورده بود به طور که امانم رفته بود، اما روزی در جایی نشسته بودم و دیدم کتاب هایی آنجا وجود دارد و دستم بی اختیار دراز شد و کتابی را برداشتم و آن را باز کردم و دیدم نهج البلاغه است.

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا ابراز کرد: عبده تاکید می کند که این کتاب را تصادفی برداشته و زمانی که در آن تورق کرده و صفحات آن را مرور می کرده است در جملاتش تاملاتی داشته و به این نتیجه رسیده بود که این اثر غم و غصه هایش را خالی کرده است و در نتیجه به مطالعه آن پرداخت و یک وقت دید بدنش در اتاق و روح اش از بلاغت و فصاحت این اثر در جای دیگری است.

وی ادامه داد: عبده در این مقدمه می نویسد که متوجه شدم این کتاب بلاغت دولتی و فصاحت صولتی دارد و آدمم بینم رئیس این دولت کیست که دیدم علی ابن ابی طالب (ع) پرچم دار این بلاغت است.

این عالم دینی اظهار کرد: بنابراین شرح بر نهج البلاغه معلوماتی می خواهد که علامه جعفری آنها را دارا بود اما اخیرا باخبر می شوم که کسی جلسه نهج البلاغه دارد و بضاعت علمی اش در حد جامع المقدمات است و السلام!

ادامه در صفحه ۱۱

تحلیگر ایرلندی:

هم پیمانی راهبردی صهیونیست ها و مستبدان عرب آشکار شد

با وجود این، این حقایق مفاهیم ژئوپلیتیک گسترده تری نیز در بر دارند. به خاطر داشته باشید که رژیم مستبد بحرین تحت حمایت کامل وهابیون عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی قرار دارد. در واقع، در مراحل مختلف سرکوب معترضان حامی دموکراسی از سوی رژیم بحرین در جریان خیزش مردم در فوریه سال ۲۰۱۱، نیروهای نظامی از دیگر دیکتاتوری های حاشیه خلیج فارس نیز در بحرین حاضر بودند و به طور کامل نیروهای امنیتی را در سرکوب خونین جمعیت شیعه یاری کردند.

از این رو، اگرچه ما نخست بر تکنیک های تروریسم دولتی نیروهای رژیم اسرائیل و بحرین تمرکز می کنیم، اما باید در نظر داشت که همراهی با رژیم صهیونیستی در مورد تمامی خودکامگان خلیج فارس صدق می کند. ارباب کودکان به عنوان روشی برای هدف گرفتن مردم تنها زمینه ای نیست که رژیم اسرائیل و دیکتاتورهای عرب در آن با یکدیگر اشتراک دارند. ویران کردن مساجد و دیگر مکان های مقدس بر دستور کار مشترک این دو رژیم برای اقدامات ضد شورش دلالت دارد. نکته ی مضحک این قضیه آن است که رژیم عربستان سعودی خود را «پاسدار دو مکان مقدس اسلام» می داند.

در بحرین، طی دو سال گذشته صدها مسجد و مکان مقدس جوامع شیعه به طور گسترده از سوی نیروهای رژیم تخریب شده است. قدمت شماری از این مساجد تخریب شده به چندین دهه قبل باز می گردد.

در سرزمین های اشغالی فلسطین، نیروهای رژیم اسرائیل نیز بسیاری از مساجد را تخریب و بی حرمت کرده اند. توجیه های قانونی ارائه شده شبیه به همان بهانه هایی است که از سوی رژیم بحرین بیان می شود. هر دو رژیم در ادعاهایشان ادبیات موسوم به «اورولین» را به کار می برند، وقتی که می گویند مکان های مقدس ویران شده مجوز رسمی ساخت نداشته اند. یکی دیگر از شیوه های مشترک سرکوب این دو رژیم، استفاده بی رویه از مواد شیمیایی سمی بر ضد غیرنظامیان است. هم در سرزمین های اشغالی و هم در بحرین با حسن تعبیر این مواد شیمیایی سمی را «گاز اشک آور» می نامند.

اما باید گفت که این مواد شیمیایی در محیط های سر بسته کشنده و خطرناک هستند و به مرگ، سقط جنین و بیماری های دراز مدت منجر می شوند. مقصود از استفاده بیش از حد از این تسلیحات سمی «مجازات جمعی» مردمی است که جسارت آن را داشته اند که دیدگاه های سیاسی مخالف خود را ابراز کنند؛ به راستی که این جانیی بر ضد بشریت است.

ادامه در صفحه ۱۲

پرس تی وی - فینیان کانینگهام*
استفاده از تروریسم دولتی بر ضد کودکان از سوی ارتش اسرائیل و نیروهای رژیم بحرین عملی نیست که به صورت اتفاقی و یا سهوا انجام شود. مقیاس و الگوی نظام مند این اقدامات سرکوب گرانه به روشنی بیان می کند که این رژیم ها در استفاده از روش «ضد شورش» با یکدیگر همکاری نزدیکی دارند.

در ماه های اخیر، صدها تن از کودکان زیر ۱۸ سال که حتی شماری از آنان حدود ۵ سال داشتند، در بحرین و سرزمین های اشغالی فلسطین بدون هیچ دلیلی دستگیر و بدون هیچ محاکمه ای زندانی شدند.

در بحرین، به طور خاص جوامع اکثریت شیعه هستند که از سوی نیروهای رژیم آل خلیفه که تحت حمایت عربستان سعودی قرار دارند هدف گرفته می شوند. به گفته منابع حقوق بشری بحرین، در طول چهار ماه گذشته، بیش از ۱۰۰ کودک بدون هیچ حکم قانونی از خانه هایشان ربوده، برای مدتی نامشخص بازداشت، بازجویی و حتی شکنجه شده اند. شماری از این کودکان بر اساس اعترافات اجباری به جرایم مربوط به تروریسم متهم و به حبس در زندان تا مدت ۱۵ سال محکوم شده اند.

در این بین، سیاست آزار و اذیت کودکان در بین اسرائیلی ها و در سرزمین های اشغالی فلسطین نیز به طور گسترده مشاهده می شود. آخر هفته گذشته، سربازان اسرائیلی چهار کودک بین سنین پنج تا ۹ سال را دستگیر کردند و آنان را به یک بازداشتگاه نا مشخص انتقال دادند. دستگیری این کودکان پس از آن صورت گرفت که ارتش اسرائیل با شلیک گاز اشک آور به یک تظاهرات صلح آمیز که ناظران بین المللی در آن حضور داشتند، هجوم برد.

این سوء رفتار از جانب نیروهای رژیم بحرین و اسرائیل نقض آشکاری قوانین بین المللی است. به لحاظ قانونی، بازداشت غیرقانونی کودکان به این شکل معادل آدم ربایی از سوی دولت است. افزون بر این، بازجویی از کودکان و سوء رفتار با آنان در زمان بازداشت و همچنین حبس طولانی مدت آنان نیز وحشیگری آشکار است.

نتیجه روشن است؛ هدف گرفتن کودکان معصوم و بی گناه نتیجه سیاست عمدی دولت برای تروریسم است. بدون شک، آنان که در این اقدام کثیف و پلشت برای کنترل مردم درگیر هستند، با خود حساب کرده اند که اینگونه با آسیب رساندن به روح و روان و ذهن جوانان می توانند نسل آتی کشور را تحت انقیاد خود درآورند و آنان را سرکوب کنند.

به گزارش «لورین اسمیت پانگل» استاد دانشگاه تورنتو در کتاب «ارسطو و فلسفه دوستی» ارسطو را می‌توان اولین و شاید مهم‌ترین فیلسوفی دانست که به مقوله ی دوستی و اهمیت آن در جامعه پرداخته است. نویسنده برای آن که دیدگاه ارسطو در مورد دوستی بهتر و بیشتر شکافته شود دیدگاه‌های افرادی چون: افلاطون، سبیسرو، اپیکور، سنکا، مونتینی و بیکن را نیز مطرح و به مقایسه پرداخته است. به نظر نویسنده کتاب، ارسطو، در بحث از این مقوله، چون بسیاری مقولات دیگر، چندان با استاد خود افلاطون موافقت نداشته و دوستی را دقیقاً به عنوان امری اجتماعی و در راستای اهداف مشخص اجتماع برای رسیدن به سعادت در نظر می‌گرفته است.

وی می‌افزاید که، دوستی برای ارسطو، بیشتر مقوله‌ای اخلاقی است تا سیاسی، چرا که آن را بیشتر در کتاب اخلاق نیکوماخوس بررسی می‌کند و کمتر در سیاست^۲

اخلاق نیکو ماخوس مهمترین اثر ارسطو در اخلاق است. وی در این کتاب، سه شکل عمده برای دوستی را مطرح می‌سازد. از نظر او، دوستی یا بر «فصلیت» بنا شده است و یا بر «ذلت» pleasure و یا بر «منفعت» advantage تنها دوستی مبتنی بر فصلیت است که میان انسان‌های خوب وجود دارد و در آن، افراد یکدیگر را برای وجود ویژگی‌های فصلیت‌مندانه دوست می‌دارند و این دوستی در تمام شئون، کامل و بهترین است. ارسطو این نوع دوستی را پیچیده‌ترین نوع برقراری رابطه می‌داند هرچند از نظر او با دوام‌ترین نوع آن هم هست. دو نوع دیگر هرچند رایج‌تر هستند اما خیلی سریع‌تر نیز به سردی می‌گیرند، چون نیازها و تمایلات پیوسته تغییر می‌کند.^۳

با ورود ادبیات فلسفی یونان به جهان اسلام مسلمانان، آثار مهمی در خصوص اخلاق اسلامی تألیف نموده‌اند نظیر آثار کندی (۸۰۰-۸۷۹ میلادی)^۴ زکریای رازی (۹۲۵ میلادی) و ابوعلی مسکویه^۵ و ابن حزم اندلسی^۶ و بالاخره نصیرالدین طوسی^۷. ولی تا قبل از غزالی مسلمانان کلاً از الگوی یونانیان پیروی کرده و سعی داشتند که معارف اسلامی را با آنچه از یونان آمده منطبق سازند. البته ناگفته نماند که آثار اسلامی به نوبه خود بر نویسندگان غربی قرون وسطایی همانند بار هیروس و سن توماس، در فلسفه روحانی و اخلاقی تأثیر گذاشتند.^۸ امام محمد غزالی نخستین کسی است که به این نکته توجه کرده و تلاش کرده تا طرحی نو از دل قرآن و سنت در اندازد.

پس از وی در قرن یازدهم اسلامی فیض کاشانی کتاب احیاء العلوم غزالی را باز نویسی کرده واز روایات و احادیث منقول از اهل بیت و امامان شیعه (ع) استفاده نموده و آن را «محجۃ البیضاء فی احیاء الاحیاء» عنوان داده است.

در قرن معاصر علامه محمد حسین طباطبایی در تفسیر المیزان نیز سعی دارد تا بر اساس معارف اسلامی نظامی مستقل و جدای از نظام یونانی ارائه دهد. این‌جانب برآنست که در اینجا آنچه که از قرآن و سنت شخصاً استنباط می‌کند ارائه دهد. ممکن است کاملاً جدا و یا همسوی با نظام یونانی باشد.

ارسطو گفته است عدل و دوستی پایه‌های جامعه انسانی هستند اما هرگاه مردم همدیگر را دوست بدارند نیازی به عدالت نیست در حالی که اگر فقط عدالت جاری باشد از دوستی بی‌نیاز نیستند.^۹

به نظر من در قرآن مجید محور اصلی شریعت از محور اصلی اخلاق اجتماعی کاملاً منفک و متفاوت است. آنچه در شریعت نقش محوری دارد «عدالت» است ولی در اخلاق اجتماعی نقطه مرکزی «احسان» است. به این آیه شریفه توجه کنید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ

جهان بینی دوستی در نظام اخلاق اسلامی

آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد^۱

دوست می‌دارید، (در راه خدا) اتفاق کنید. (۳۹۲) یعنی انسان‌های دیگر را از خودتان بیشتر دوست بدارید و مالی را دوست دارید به آنها بدهید.

ایثار نیز یکی از زیرمجموعه‌های احسان است. واژه ایثار به معنای ترجیح دادن دیگری برخویش است. در قرآن در خصوص اشخاصی که مهاجرین یعنی انسان‌هایی را که به علت مشکلات محل زندگیشان را ترک می‌کنند و به دیار آنان مهاجرت می‌کنند با دوستی و مهربانی برخورد می‌کنند و تأمین زندگی آنان را بر زندگی خویش ترجیح می‌دهند ایثارگران خوانده و آنان را ستوده است. (۵۹۹)

به نظر من مفاد این آیه شریفه قرآن می‌تواند دستورالعملی برای تمام بشریت بخصوص آنان که در کشورهای مرفه زندگی می‌کنند باشد. عده زیادی از مردم افغانستان و عراق در شرایطی که کشورشان دچار حوادث تلخ بود به کشور من ایران مهاجرت کردند. ملت ایران تحت تعلیمات اسلامی برغم مواجه بودن با مشکلات عیدیه مانند تجاوز دیکتاتور عراق و یا تحریم‌های اقتصادی، با دوستی و مهربانی با مهاجرین برخورد کرد برای آنان کارها و شغل‌های مختلف آماده کردند. بسیاری از کشورهای غربی نیز در این امتحان الهی در خصوص مهاجرین سربلند برآمدند. هرگز اعتراضات انسان دوستانه مردم انگلستان به دولت آن کشور نسبت به اخراج مهاجرین هندی پس از استقلال هند فراموشمان نخواهد شد.

مایلم از این فرصت استفاده کنم و به نکته‌ای تأکید کنم. امروز ملت آمریکا با یک آزمایش بزرگ الهی مواجهند. همه می‌دانند که ملت ایران با مردم آمریکا سوابق دوستانه بسیار عمیقی دارند و از طرفی ناگفته پیداست که قربانی تحریم‌های اقتصادی که توسط دولت آمریکا علیه ایران انجام گرفته عموم مردم ایرانند. یعنی عموم مردم ایران، اعم از پیر، جوان، سالم و ناتوان بدست دولت آمریکا هم اکنون با سختی و کمبود مواد لازم زندگی مواجهند. آیا این است مقتضای دوستی و عشق به انسان‌ها که در راس تعلیمات مسیح بوده است؟ من به هیچ وجه مدافع کارهای خطای گروه‌هایی که در گوشه و کنار جهان، خود را منتسب به اسلام می‌کنند نمی‌باشم.

ولی انتظار ملت ایران با داشتن سوابق مودت و دوستی از مردم متمدن آمریکا به خصوص از فرهیختگان آنها آنست که دولت خود را که نماینده آنان است مورد اعتراض قرار دهند که این روش غیرانسانی را رها کند و مشکلات خود را از راه‌های سیاسی و گفتگوهای خردمندانه و منصفانه حل کند نه از راه شکنجه آحاد یک ملت. ما به خاطر داریم که در درگیری‌های دولت فرانسه با ملت الجزایر ملت فرانسه چندین بار به نفع مردم الجزایر تظاهرات و راهپیمایی کردند و اعتراضات به اندازهای شدید شد که به استقلال الجزایر منتهی شد. این جریان نقطه درخشانی است که در تاریخ ملت فرانسه می‌درخشد و همواره تاریخ به مردم آن روز فرانسه آفرین می‌گوید.

البته اقدام اخیر از سوی ۱۲۰ تن از اعضای کنگره آمریکا نسبت به ادای احترام به گام بلند ملت ایران بسوی دموکراسی جای تقدیر و تشکر است و همچنین اقدامات دوستانه ما نسبت به دارو، هرچند اقدام اخیر کنگره نسبت به تحریم‌های جدید با درخواست ۱۲۰ نفر هماهنگی نداشت. به هرحال فکر می‌کنم که وقت آن رسیده که عموم مومنین جهان از موضع مذهبی و حقوق دانان جهان از موضع حقوقی این گونه اقدامات را که با اصول بسیاری از منشور جهانی حقوق بشر از جمله حق حیات، حق داشتن بهداشت، دسترسی به دارو، حق تردد ایمن از طریق دسترسی به وسائط نقلیه ایمن، حق محیط زیست سالم، حق آموزش و پرورش، حق تبادل اطلاعات علمی، حق آزادی مسکن، در تضاد و تعارض است محکوم کنند.

ادامه در صفحه بعد

در مقایسه جایگاه مسیح در دین مسیحیت که نماد دوستی است، قرآن مجید پیامبر(ص) را نماد «مهربانی» خوانده است. (انبیاء: ۱۰۷) (و ما تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستادیم).^{۱۱} او این عنوان را برای خویش همواره اعلام می‌داشت و می‌گفت: (من پیامبر دوستی و مهربان هستم)^{۱۲} (ترمذی، ۲۰۶) معنای این عنوان این است که او برای گسترش صلح، آرامش و رحمت مبعوث گردیده و پیام‌آور رحمت و صلح و استقرار دوستی نه تنها میان مسلمانان بلکه میان همه انسان‌های جهان است. دین اسلام که آورده این پیامبر است دین صلح، رحمت، و دوستی است، و در هیچ زمانی دین قتل و جنگ نبوده و نخواهد بود.

در نظام اخلاق اسلامی شخص مسلمان باید تلاش کند که به صفات خدایی تا حد توان دست یابد. یکی از اسماء خداوند در قرآن «ودود» است.^{۱۳} ودود یعنی کسی که ذاتش عین دوستی است. «وَدُّ» نوع خاصی از حب است و آن حبی است که آثار و پی‌آمدهایی آشکار دارد مثل، الفت و آمد و شد و فداکاری و اظهار محبت. به گفته قرآن میان زن و شوهر رابطه مودت توسط خداوند برقرار می‌گردد (الروم ۲۱). زن و شوهر باید نه تنها در قلب یکدیگر را دوست بدارند بلکه بایستی دوستی را اظهار کنند.

در قرآن مجید زندگی با خصلت «ودود» بودن یعنی دوست داشتن دیگران را پاداش رسالت پیامبر دانسته است. (۴۳، ۲۳)^{۱۴}

قرآن عفو و گذشتن از اعمال خطای دیگران را نیز زیر مجموعه احسان و دوستی شمرده و بهشت را جایگاه کسانی دانسته که از خطای دیگران در می‌گذرند «... مومن کسی است که از انسان‌ها گذشت می‌کند او محسن است و خداوند محسان را دوست دارد ۳۳، ۴۳».^{۱۵}

نکته جالب توجه اینکه قرآن مجید دستور به عفو نسبت به همه انسان‌ها داده است. یعنی باید همه انسان‌ها مشمول عفو قرار گیرند و نه فقط گروه خاص و یا طبقه خاص. به دیگر سخن در خصلت عفو خودی و ناخودی نباید ملحوظ گردد و انسان از آن نظر که انسان است شایسته احسان و عفو است. جالب‌تر آنکه در قرآن عفو از قاتل توسط افراد صاحب حق اکیدا توصیه شده است. بدین معنا که هرچند صاحب خون حق دارد قصاص کند و قاتل را بکشد و اگر چنین کند از عدالت خارج نشده و مطابق با عدل است ولی توصیه شده که او را برادر خویش بنگرد و گذشت کند. برادر انگاری قاتل و گذشت از وی کاملاً مطلق است و عموم انسان‌ها را شامل می‌گردد. (بقره ۱۷۸)

حسب گزارش تواریخ معتبر پیامبر اسلام و یارانش را مردم مکه به طرق مختلف شکنجه و آزار دادند تا بدانجا که او وادار شد شبانه مکه که زادگاهش بود ترک کند.

اعلان عفو عمومی پیامبر اسلام در مکه پس از ورود و تسلط کامل ایشان به آن دیار و نادیده گرفتن تمام آزار و اذیت‌ها حتی کسانی که شخصاً دشمنان در آزار جسمانی وی آغشته بود نه تنها الگویی برای ملت مسلمان که برای تمام بشریت خواهد بود. او همه را بخشید و حتی از شعار دادن به انتقام‌گیری کاملاً جلوگیری کرد. در لحظه اعلان عفو از سوی پیامبر اسلام مردم مکه هنوز کافر و به دین وی وارد نشده بودند. او هیچکس را وادار به اسلام نکرد و به دستور خداوند او ترجیح داد تا مردم با کمال آزادی دین خود را انتخاب کنند.

«پیر» یعنی نیکوکاری. قرآن نیکوکاری حقیقی را مشروط به وجود دوستی و مهربانی دانسته است: هرگز به نیکوکاری حقیقی نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه



تَذَكُّرُونَ (النحل ۹۰)

به راستی خداوند به دادگری و نیکی کردن و داد و دهش به نزدیکان، فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و افزونجویی، باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که شما پند گیرید.

عدل حسب تعریف حکیمان عبارت است از رعایت حقوق دیگران، است بنابراین، هر گونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است.

واژه احسان در عربی از ریشه حسن یعنی زیبایی و در ترکیب احسان به معنای خوبی کردن به دیگری است. در قرآن مجید احسان به معنای نیکی کردن از روی «دوستی و مهربانی» است. در یک آیه مورد احسان را به گونه‌ای باز شماری کرده که گویی فراگیر است و تمام انسان‌ها را شامل می‌گردد.

این مفهوم چیزی بالاتر از عدالت است. علی(علیه السلام) در تفسیر این دوواژه گفته است الْعَدْلُ الْإِنصَافُ، وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ: عدل آنست که حق مردم را به آن‌ها برسانی، و احسان آن است که بر آنها تفضل کنی.^{۱۶}

تفضل از ریشه فضل به معنای بخشیدن و عطا کردن نه از روی پاداش عملی از سوی غیر بلکه از روی مهربانی و لطف است و تفضل حاوی مفهوم استمرار و دوام است. پاداش عمل دیگری را ادا کردن عدالت است و تخلف از آن تجاوز است، در حالی که فضل نهادی است برتر از عدالت. در قرآن چندین بار انسان را به رعایت عدالت در زندگی روز مره دعوت می‌کند اما عدل به عنوان محور شریعت است. شریعت حداقل ضرورت اخلاقی در رفتار انسانی است و نه آرمان اخلاقی. آرمان اخلاقی زندگی انسانی بر محور احسان است و اگر رسول الله(ص) هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاقی اعلام فرموده یعنی آرمان اسلام «محسانانه» زیستن است. در قرآن مجید چندین بار این جمله تکرار شده است که محسنین محبوب خدا هستند. (و احسنوا ان الله يحب المحسنین ۵۹۳) و نیز رحمت خدا فقط به محسنین نزدیک است (ان رحمت الله قريب من المحسنین ۷۵۶)

احسان در قرآن مجید مظاهر مختلفی دارد. گویی تمام فضائل اخلاق اجتماعی در زیر عنوان احسان قرار می‌گیرند ولی همگی بر محور دوستی دور می‌زند. در یک آیه قرآن گویی همه انسان‌های سراسر عالم را همسایگان یکدیگر خوانده و احسان را در قالب دوستی همسایه در کنار خداپرستی قرار داده است.

و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید همچنین نیکی کنید به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایگان نزدیک، و نیز همسایگان سرزمین‌های دور، و دوست و همنشینان، (نساء ۳۶)

مستفاد از آیه فوق آنست که همسایه مفهومی وسیع دارد و صرفاً به معنای همجواری مادی نیست، مراد از همسایه، هموعان بشری هستند.

همین معنا آموزهای انجیلی و پایه و اساس دین مسیح است. مسیحیت به «دین محبت» و یوحنا، یکی از نویسندگان اناجیل، به «رسول محبت» شهرت یافته است. از نظر آیین مسیح، محبت به خدا و محبت به همسایه (یا همان هموعان بشری) و ابراز عشق به آنان ایمان را غنا می‌بخشد. رهبانان دیرنشین محبت به افراد را سرلوحه زندگی ریاضت منشا نه خویش قرار می‌دادند. مسیحیان عیسی (ع) را نماد محبت خداوند به خلق می‌دانند. زندگی مسیح در عهد جدید بیانی از نگرش عاشقانه وی به جهان پیرامون است؛ او حتی به دشمنان خویش محبت می‌نمود و به بزرگ و کوچک و پیر و جوان عشق می‌ورزید تا آنجا که خود را در راه محبت به انسان‌ها قربانی کرد.

به طور دقیق بررسی شده و کلیه مباحث و موضوعات سیاسی از آن‌ها استخراج و طی چند مرحله و طبق روش‌ها و استانداردهای خاصی طبقه‌بندی گردیده است.

در فرایند طبقه‌بندی و تنظیم مباحث استخراج شده، بیش از شصت فیلسوف و هفتصد اثر اصلی آنان مورد مطالعه قرار گرفته و مباحث سیاسی استخراج شده در قالب بیش از چهار هزار فیش طبقه‌بندی گردیده است. باتوجه به این‌که هر متن گزینش شده در قالب فیش دلالت‌های مختلفی دارد و در چند مفهوم و موضوع می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، پس از کلید واژه‌گذاری و طبقه‌بندی مجدد، هم اکنون حدود چهارصد هزار فیش در اختیار پژوهشگران قرار دارد.

برای مراجعه به آثار فیلسوفان و استخراج مباحث سیاسی، به صورت پیشینی، واژه‌ها و مفاهیم مشخص نشدند، چون این امر ذهن محقق را جهت می‌داد که فقط به دنبال مباحثی در خصوص مفاهیم و موضوعات تعیین شده باشند و فقط این موضوعات را استخراج کنند، بلکه به پژوهشگران تأکید گردید که کاملاً آزاد، هر مطلبی را که به نحوی به موضوعات سیاسی اجتماعی مربوط می‌شود، انتخاب کنند، این امر امکان نوآوری تحقیق و کشف مفاهیم جدیدی را که مختص فلسفه سیاسی اسلامی است، بالا می‌برد.

در استخراج دیدگاه‌های فیلسوفان تأکید شده است که پژوهشگران با نگاه حداکثری وارد آثار فیلسوفان شوند و حتی موارد مشکوک و یا مواردی را که دلالت ضعیف دارند، گزینش کنند. اگرچه این شیوه‌هزینه طرح را افزایش می‌داد اما چالش‌گذاری مطالب را به حداقل می‌رساند، ضمن این‌که بعداً امکان حذف وجود داشت. سعی شده است موضوعات فلسفه سیاسی در طول تاریخ و تمدن اسلامی، با رویکرد امروزی بازخوانی شوند و حتی ال‌امکان مباحث با صبه کاربردی برای شرایط امروز مطرح گردند.

یادآور می‌شود، ۱۷ جلد از مجموعه ۳۰ جلدی دانشنامه «سیر مفهومی فلسفه سیاسی اسلامی» با نظارت حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه و علی‌اکبر علی‌خانی، به‌همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه منتشر شده‌است.

با نظارت علمی حجت‌الاسلام دکتر خسروپناه؛

۱۷ جلد از جامع‌ترین دانشنامه فلسفه سیاسی جهان اسلام منتشر شد



زمینه فلسفه سیاسی است. بنابراین طرح کلان پژوهشی «سیر مفهومی فلسفه سیاسی اسلامی» در صدد است مجموع دیدگاه‌ها و نظریه‌های فلاسفه مهم مسلمان را در طول تاریخ فلسفه اسلامی مورد شناخت، بازخوانی و تحلیل قرار دهد.

در علوم جهان اسلام، مباحث فلسفی و کلامی به هم آمیخته است و حتی گاهی سایر معارف دینی نیز در آن‌ها وارد می‌شود. به همین دلیل ممکن است گاهی مباحثی که ماهیت فلسفی دارند در قالب مباحث کلامی، اصولی، عرفانی، تفسیری و... مطرح شوند. ما باید شاخص‌ها و در نهایت تعریف خاص خودمان را از «فلسفه سیاسی» و مباحث آن ارائه دهیم.

عجالتاً روشن است که اصطلاح «فلسفه» در این ترکیب، هم روش را نشان می‌دهد، هم سنخ مباحث را. با این‌واژه معلوم می‌شود که روش، عقلی و استدلالی است. این اصطلاح همچنین سنخ مباحث سیاسی اجتماعی را از سطح مباحث اندیشه سیاسی عمیق‌تر می‌کند، و به مسایل هستی‌شناسی، معرفت‌شناختی، وجودشناختی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، وظیفه‌شناختی و... «باقید سیاسی اجتماعی» توجه می‌کند تا با فلسفه محض درنیامیزد.

در بخش دیگری از این کتاب می‌خوانیم: پسوند «سیاسی» روشن می‌کند که در فلسفه سیاسی فقط به آن دسته از مسایل فوق، آن‌هم به روش استدلالی و عقلی توجه می‌کنیم که به نوعی «ابعاد سیاسی اجتماعی» داشته باشد، یا بتوان آن را با مباحث سیاسی اجتماعی ربط داد. بر این اساس، نوع مباحث فلسفه سیاسی از عمیق‌ترین و کلان‌ترین مباحث جهان هستی، قابل ارتباط با مباحث سیاسی اجتماعی، آغاز می‌شود و تا جزیی‌ترین موضوعات سیاسی اجتماعی که به روش فلسفی مورد بحث قرار گرفته باشند را شامل می‌شود.

۳- ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه حسن لطفی، فصل هشتم، انتشارات خوارزمی، تهران.
۴- یعقوب بن اسحاق کندی، «فی الحیله لدفع الاحزان» رسائل فلسفیه، به کوشش عبدالرحمن بدوی (بیروت، دارالاندلس، ۱۹۸۳، چاپ سوم) ص ۱۱-۱۲

۵- ابوعلی مسکویه، (احمد بن محمد بن یعقوب رازی) تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (قم: بیدار، ۱۴۱۱، چ سوم) ص ۲۷

۶- کتاب الاخلاق و السیر، ویراستاری شده توسط شیخ احمد محمضانی، قاهره، ۱۹۰۸

۷- نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، به کوشش مجتبی مینوی و علیرضا حیدری (تهران، خوارزمی ۱۳۶۹، چ چهارم) ص ۳۶، تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه بر مبنای ترجمه عربی اسحاق بن حسین از کتاب اخلاق نیکوماخس ارسطو و تفسیر فرفوریوس از آن تألیف شده است (عبدالرحمن بدوی، مقدمه بر اخلاق ارسطو، کویت، ۱۹۷۹م، ص ۲۷-۳۱).

۸- Asin Palacios and A. D. Sertillanges quoted by ch. Cardahi, (3 Vols, Paris) in Droit et Morale III, pp ۴۲۹-۴۵۷.

۹- ارسطو، اخلاق، کتاب ۸، باب ۱

۱۰- نهج البلاغه رحمت ۲۳۱

۱۱- (وما ارسلناک الا رحمه للعالمین)

۱۲- وانا نبی الرحمه

۱۳- هودر ۹۰

۱۴- قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی

۱۵- والعاقین عن الناس والله یحب المحسنین

تفکیک بین مباحث «اندیشه سیاسی»، «فقه سیاسی»، «کلام سیاسی» و... با «فلسفه سیاسی» و نه حوزه‌های این علوم ضروری است. چون ممکن است بحثی با ماهیت و صبه فلسفی در قالب‌های کلام یا فقه مطرح شده باشد. معیار نهایی ما برای انتخاب دانشمندان و مباحث آن‌ها، به نوع و ماهیت بحث برمی‌گردد.

در بخش دیگری می‌خوانیم: اگر ماهیت و نوع بحث متفکر، «فلسفه سیاسی اجتماعی» بود آن را برمی‌گزینیم؛ فارغ از این‌که شهرت، دانشمند، فیلسوف، فقیه، عارف، متکلم یا ... باشد، بر این اساس، به عنوان مثال شاید بتوان بعضی مباحث اصول فقه را از سنخ مباحث فلسفی به شمار آورد. در این‌جا برخی معیارهای اولیه برای انتخاب مباحث فلاسفه و دانشمندان به این شرح بوده است: «مباحث دارای رویکرد عقلی و استدلالی باشند»، «به پرسش‌ها یا موضوعات کلان و اساسی حوزه سیاست و اجتماع پرداخته باشند»، «مباحث در صدد فهم ماهیت امور سیاسی اجتماعی برآیند»،

«مباحث مطرح شده یا نتایج آن‌ها، با نظام معرفتی گسترده‌تر یا باورهای کلی‌تر قابل ارتباط باشند» «مباحث سیاسی اجتماعی مطرح شده، به لایه‌های عمیق‌تر مثل ماهیت موضوعات و پدیده‌ها نیز پرداخته باشند»، «مباحث سیاسی مطرح شده یا نتایج آن‌ها، قابل ارتباط با مباحث عقلی و استدلالی متافیزیکی باشند»، «مباحث به صورت عقلانی تلاش کرده باشند تا نظرات و باورهای سیاسی را به معرفت سیاسی و شناخت تبدیل کنند» از مهم‌ترین این معیارها می‌باشند.

این طرح به لحاظ شکلی و روشی به صورت منحصر به فرد اجرا می‌شود و می‌تواند فواید و نتایج چند منظوره‌ای در پی داشته باشد. برخی ویژگی‌های بارز و گاهی منحصر به فرد این طرح، به شرح زیر است: تمرکز طرح، مختصراً بر فلسفه سیاسی اسلامی است.

تحقیق به صورت مفهومی انجام می‌شود به این صورت که هر کدام از مفاهیم مورد نظر به صورت مستقل در دیدگاه فیلسوفان مورد مطالعه بحث می‌شود، این شیوه بحث ضمن این‌که می‌تواند سیر تحول علمی آن مفهوم را در دیدگاه فیلسوفان مختلف نشان دهد، امکان تطبیقی بودن دیدگاه‌های آنان را نیز فراهم ساخته است.

آثار مهم فیلسوفان مورد بحث، به صورت جداگانه و

معاون بین‌الملل جامعه المصطفی گفت: پژوهشگاه المصطفی طی سالیانی که شروع به کار کرده تا امروز توانسته است هزار جلد کتاب پژوهشی را منتشر کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مجید حکیم‌اللهی در دیدار با آیت‌الله علوی گرگانی اظهار کرد: در حال حاضر مدارک جامعه المصطفی در تمام کشورهای جهان مورد تأیید است و کسانی که مدارک بالای این مرکز را دریافت می‌کنند، می‌توانند در دانشگاه‌ها به عنوان مدرس مشغول به کار شوند.

وی افزود: در راستای افزایش اعتبار جامعه المصطفی، این مرکز در برخی مجامع علمی از جمله اتحادیه بین‌المللی اساتید جهان و اتحادیه دانشگاه‌های مسلمان عضو شده است.

معاون بین‌الملل جامعه المصطفی با بیان اینکه در حال حاضر ۳۰ هزار طلبه از ۱۳۰ کشور جهان در جامعه المصطفی مشغول به تحصیل هستند، عنوان داشت: قم، مشهد، گرگان، اصفهان، تهران و برخی دیگر از شهرها از جمله مناطقی هستند که جامعه المصطفی مراکزی را در آنها احداث کرده است.

وی از ایجاد نمایندگی در ۶۰ کشور جهان توسط جامعه المصطفی العالمیه خبر داد و خاطرنشان کرد: در مجموع ۹۰ کشور جهان زیر نظر این مراکز هستند و زیرپوشش برنامه‌های حمایتی قرار دارند.

آقای حکیم‌اللهی تولید و تعمیق اندیشه اسلامی را یکی از وظایف و اهداف جامعه المصطفی دانست و افزود: به همین دلیل پژوهشگاه المصطفی در قم تأسیس شده و در برخی دیگر از کشورها نیز پژوهشگاه‌هایی راه‌اندازی

انتشار هزار جلد کتاب توسط پژوهشگاه

جامعه المصطفی

شده‌اند که خروجی آنها هزار عنوان کتاب پژوهشی طی سالیان متمادی است.

معاون بین‌الملل جامعه المصطفی با اشاره به ترجمه متنی کلاسیک و حقوقی توسط پژوهشگاه المصطفی به منظور ترجمه اصطلاحات دقیق فقهی بیان داشت: این متن اکنون به عنوان یک منبع مورد اعتماد در کشورهای خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وی با بیان اینکه شعار پژوهشگاه المصطفی «هر روز یک کتاب» بوده است، تصریح کرد: در بعضی کشورهای جهان نیز واحدهای انتشاراتی المصطفی مشغول به کار هستند و هدف از مجموعه این اقدامات تعمیق و گسترش اندیشه‌های شیعی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حکیم‌اللهی گفت: نظام آموزشی جامعه المصطفی بر اساس سیستم حوزه‌های علمیه شامل سطوح یک تا چهار بنا شده، ولی مدارک کارشناسی تا دکتری هم به دانش‌آموختگان اعطا می‌شود تا آنها در مجامع دانشگاهی هم بتوانند مشغول به کار شوند.

معاون بین‌الملل جامعه المصطفی با اشاره به ایجاد رشته‌های جدید در المصطفی افزود: آشنایی طلاب با مبانی جدید علمی بر اساس پایه‌های دینی یعنی تشخیص و استنباط موضوعات هدف از ایجاد این رشته‌ها هستند که در سطح چهار تدریس می‌شوند.

وی با بیان اینکه بخش ویژه خواهران در جامعه المصطفی راه‌اندازی شده است، ابراز داشت: در حال حاضر حدود ۵ هزار نفر از خواهران طلبه خارجی در این مرکز مشغول به تحصیل هستند.

ادامه از صفحه قبل

تأسف آنکه این گونه اقدامات به بهانه استقرار صلح انجام می‌گیرد درحالی که به یقین اقدامات تلخ علیه بشریت که گاهی به جنایات علیه بشریت می‌انجامد نه تنها موجب استقرار صلح و دوستی جهانی نمی‌شود که به عداوت و دشمنی پایدار منتهی خواهد شد.

سخنم را با تأکید بر این نکته پایان می‌دهم که این اصل که «دوستی کن تا دیگران با تو دوستی کنند» یک اصل از اصول حاکم بر جهان هستی است و نه صرفاً یک توصیه از ناحیه بزرگان. مقتضای ناموس طبیعت در روابط متقابل همین است.

دانشمندان گرامی!

آیا می‌توان از مردمی که توسط کشورهای غربی در سختی و مضیق قرار دارند و زندگی را برآنان سیاه و تلخ کرده‌اند انتظار دوستی داشت؟

مایلم به یک نکته بسیار مهم تأکید کنم که اگر غرب برای برقراری دوستی ملت‌ها منتظر برداشتن نخستین گام است باید به صراحت بگویم که ملت ایران آن گام نخستین را در انتخابات اخیر برداشته است و اینک نوبت طرف مقابل است که با شنیدن ندای ملت ایران در این انتخابات خردمندانه بدون تأثیرپذیری از تحریکات و توطئه‌های طرفداران دشمنی و خصومت به دوستی بیندیشد و تصمیم بگیرد.

پی‌نوئیس:

۱- متن فارسی سخنرانی ایراد شده در نشست زوربخ پیرامون «دوستی میان ملت‌ها از دیدگاه ادیان ابراهیمی» ۱۵-۱۸ آگوست ۲۰۱۳ مطابق با ۲۴-۲۷ مرداد ۹۲

۲- Lorraine Smith Pangle, Aristotle and the Philosophy of Friendship, Cambridge University Press, ۲۰۰۳.

شاهد توحیدی

گفت و گو میان منادیان دو تمدن اسلام و غرب، به امری نسبتاً ناگزیر مبدل شده است. ضرورت‌ها و بایسته‌های این تبادل نظر از ضرورت‌های بهینه سازی این فرآیند خواهد بود. در گفت و شنودی که در پی دارید اندیشمند فرزانه حضرت آیت الله محمد علی تسخیری که خود در زمره شاخص ترین منادیان و عاملان گفت و گوهای تمدنی در عصر حاضر هستند، در این باب سخن گفته‌اند. امید آنکه مقبول افتد.

این روزها سخن از اصلاح و بازسازی روابط ایران و پاره‌ای از کشورهای غربی است. فارغ از اینکه این رویکرد در عرصه سیاسی به چه نتیجه‌ای بینجامد، نباید از یاد برد که این گفت و گوها فرع بر موضوعی اصلی است که همانا گفت و گوی دو تمدن اسلام و غرب می‌باشد. از منظر جنابعالی محورها و موضوعات این گفت و شنود چه چیزهایی باید یا می‌تواند باشد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین(ع). اگر غرب را به مفهوم گسترده آن و اسلام را به معنای تمدن و امت اسلامی امروزی در نظر بگیریم، مسائل و موضوعات حل نشده بسیاری را می‌بینیم که نیاز به موضع گیری بنیادی از سوی دو طرف و در روند گفت و گویی منطقی و متین دارد که سرانجام باید یا به یک توافق هرچند حداقلی منتهی شود یا با فرض وجود تضادی میان مواضع همدیگر، برخوردی انسانی و متمدنانه با آن داشته باشند.

ما معتقدیم قرآن کریم و سنت شریف نبوی(ص) الگو و روش برتری برای گفت و گو با دیگران در اختیار ما قرار داده است که شیوه و قواعد کار را پیش از گفت و گو یا در جریان آن، از نظر زمینه سازی، هدف‌ها، فضا و حتی زبان گفت و گو شامل می‌شود. اگر در میان خردمندان طرف دیگر نیز شیوه اصولی و نیت پاکی وجود داشته باشد می‌توان با استفاده از رسانه‌های نوشتاری، دیداری و گفتاری این مسائل را مورد بحث و بررسی قرار داد، به امید آن که به نتایج درخوری دست یابیم، یا لاقل به درک متقابلی نسبت به یکدیگر و از آنجا به تفاهمی در یک چارچوب انسانی برای کنترل اختلافات –اگر نتوان حلشان کرد – ناآل شویم.

فضای گفت و گوی تمدن اسلام و غرب را چگونه ارزیابی می‌کنید و در هر صورت این فضا تحت تأثیر چه عواملی ایجاد شده است؟ معمولاً بر اثر برخوردهای تاریخی و رویارویی‌های سده‌های متمادی روابط دوجانبه اسلام و غرب متأثر از کینه توزی‌هایی از هر دو سوست. این نوع برخوردها با تعبیر و تفسیرهای دینی، منافع ملی، توسعه طلبی و گاه نژادپرستی درآمیخته است که مسلماً آمیزه‌ای از دشمنی و بدبینی را همراه با تعمیم و تفسیرهای بدبینانه نسبت به موضع گیری‌های مختلف در دل‌ها به جای گذارده و کار به جایی رسیده است که دید خصمانه نسبت به غرب به همان اندازه در تار و پود مسلمانان رسوخ یابد که روح صلیبی گری نسبت به مسلمانان در میان غربیان جایگیر شده است.

غربی‌ها همیشه تلاش کرده‌اند که در گفت و گو با متفکران اسلامی دست بالا را بگیرند و مثلاً با انگشت گذاردن بر موضوعاتی چون آزادی‌های طبیعی و اجتماعی، مسلمانان را متهم به نقض این موارد کنند. در اینگونه موارد باید با این جماعت چگونه مواجه شد؟

ای بسا چنین تصور شود که غرب بر آزادی‌هایی که جامعه در اختیار انسان نهاده است انگشت می‌گذارد و اسلام را متهم به محدود کردن این آزادی‌ها می‌کند، اما حقیقت آن است که غرب همواره اسلام را متهم کرده است که آزادی‌های طبیعی را – که انسان بنا بر خوی انسانی‌اش از آنها برخوردار است – رد می‌کند و جبر گراست، زیرا به قضا و قدر اعتقاد دارد. وقتی نقل قول دکتر محمد حسین هیکل از نویسنده آمریکایی

«واشنگتن اروینگ» را که کتابی درباره پیامبر اکرم(ص) نوشته است – و در پایان آن بنیادهای اساسی اسلام از جمله اعتقاد به جبر را توضیح و مرحوم هیکل نیز پاسخ مناسبی بدان داده بود – مطالعه کردم گمانم بر این بود که این یک برداشت فردی از سوی برخی غربی‌هاست، اما می‌بینیم ویل دورانت نیز در تاریخ تمدن خود بر همین سوءتفاهم انگشت نهاده و اعتقاد به جبرگرایی را از جمله نموده‌های روشن در اندیشه اسلامی تلقی کرده است. حتی به یک نویسنده معاصر انگلیسی یعنی آبراهام برایان هم برخورد کرده‌ام که در سخن از تمدن اسلامی آن را به جبرگرایی متهم می‌کند.

با توجه به روشن بودن اصل اختیار و آزادی انسان در قرآن کریم در این آیه نیازی به پاسخگویی به این اتهام وجود ندارد: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا» راه را به او نشان داده‌ایم یا سپاسگزار باشد یا ناسپاس، اما به هر صورت این شبهه‌ای است که باید از ذهن غربی‌ها و حتی روشنفکران آنها زدوده شود در غیر این صورت پیامدهای تحلیلی –اجتماعی در این عرصه خواهد داشت.

آیا ملاک در شناخت آزادی، حد و مرزی است که غرب برای آن تعیین می‌کند؟ آیا می‌توان پذیرفت که یک طرف از گفت و گو صرفاً با اتکا به تلقی خود از موضوعی چون حقوق اساسی طرف دیگر را پیشاپیش محکوم کند؟

به هر حال واقعیت این است که غرب همچنان اسلام را متهم به محدود کردن آزادی‌های اجتماعی می‌کند، همان طور که مسلمانان نیز به غرب این اتهام را وارد می‌سازند که آن چنان گسترشی به آزادی‌های فردی بخشیده که آن را به آزادی‌های حیوانی و ویرانگری تبدیل ساخته است و بنابراین هر دو طرف باید گردهم آیند و عرصه‌های مشترک میان خود را مشخص سازند و این امری است که تا اندازه زیادی شدنی است.

شاید بتوان یکی از بنیادی ترین چالش‌های نظری میان تمدن اسلام و غرب را در بحث پیرامون مقوله «دموکراسی» جست و جو کرد. به نظر شما متفکران مسلمان باید چگونه با این مقوله مواجه شوند؟

لیبرالیسم غربی همه اختیارات را به مردم می‌دهد. قانون گذاری و تعیین زمامداران در اختیار مردم است، اما دموکراسی غربی در اغلب موارد و هنگامی که زره زور و تزویر و هم پیمانی‌های مصلحتی وارد صحنه شوند تبدیل به حقوقی صوری و تنها روی کاغذ می‌شود. حال آن که اسلام به اقتضای سرچشمه الهی خود معتقد است که دین حق دارد در زمینه نوع دخالت انسان در عرصه‌های قانون گذاری و تعیین زمامداران دخالت کند.

بر این اساس اسلام این موارد را در نظر داشته است:

۱- با بهره گیری از یک سلسله احکام ثابت (اولیه) – که تغییر در آنها راه ندارد – به جنبه های ثابت نیازهای انسان پرداخته است. این احکام همچنان که بیان شد ثابتند، اما شیوه‌های اجرایی آنها متناسب با اوضاع زمانی و مکانی و اجتهادهای مختلف متغیر است مانند تفاوت‌هایی که در شیوه ایجاد موازنه و تأمین اجتماعی در جوامع مختلف اسلامی مطرح است.

۲- باز گذاردن دست حاکم اسلامی در رایزنی با امت به منظور تحقق منافع متغیر آن در عرصه‌های مباح و تأمین شایسته آنها.

۳- در نظر گرفتن شرایط لازم برای برگزیدن کادرهای اجرایی در همه سطوح و بنابراین می‌توان حکومت اسلامی را «حاکمیت مردم در چارچوب دینی» قلمداد کرد. می‌بینیم که نقاط مشترک بسیاری وجود دارد که می‌توان آنها را همسو با برخی نظریات غربی در نظر گرفت.

دموکراسی غرب ساخته را تا چه حد می‌توان به لائیسزم مرتبط یا نتیجه آن دانست؟

لائیسزم اندیشه‌ای است که در دامان غرب و به مثابه دستوردار کارزار میان آزاد اندیشان و جزم اندیشان کلیسایی پرورش یافت و سرانجام به انزوای تقریبی کلیسا از زندگی اجتماعی و در نتیجه جدایی دین از

آیت الله محمد علی تسخیری در گفت و گو با جوان:

تمدن غرب باید از برتری طلبی دست بردارد

زندگی انجامید. اما طبیعت اسلام بنا بر شالوده آموزه‌های آن و برنامه‌هایی که برای حکومت و حکمرانی و نیز جنبه‌های عملی دارد، با این ایده در تناقض است و تصور نمی‌کنیم جایی برای وصول به تفاهم مشترکی در این زمینه وجود داشته باشد.

پیشتر به اختلاف دو تمدن در باب مقوله «حقوق بشر» اشاره کردید. آیا در این مورد هم باید به شیوه موارد قبل رفتار کرد؟

بله، قطعاً. در مفهوم و نیز نوع محدودیت‌هایی که باید در خصوص حقوق بشر اعمال شود، باید گفت در اینکه ضروری است این حقوق جنبه معقولی داشته باشند، اختلاف چندانی وجود ندارد، اما اختلاف‌ها در جاهای دیگری نهفته است. جاهایی مانند منشأ حقوق و اینکه آیا انسان خود آنها را مقرر داشته است و حد و مرز و مصداق‌های آن را معین می‌کند و در نتیجه تابعی از دیدگاه‌های انسان و در واقع تابع اکثریت جامعه است یا اینکه سرمنشأ همه حقوق آفریدگار انسان و مالک او و هموست که با شناختی که از آفریده خود دارد، این حقوق را تعیین کرده و آنها را ضامن تکامل فردی و اجتماعی‌اش قرار داده و در راستای ایجاد تعادل مطلوب در زندگی او – با توجه به دو سویه بودن حق – در نظر گرفته است. به هر حال ما معتقدیم باور به نظریه فطرت انسانی برای ایمان به حقوق بشر ضروری است، انسانی که قصد داریم حقوقی برای وی در نظر بگیریم موجودی است که طبعاً دارای عناصر فطری است که هم‌زمان متولد می‌شوند و تا آن زمان که انسان است، باقی می‌مانند و همین که انسانیت خود را از دست داد، این حقوق نیز از وی جدا می‌شوند: «ولا تکنوا کالذین نسوا الله فأنساهم أنفسهم اولئک هم الفاسقون» ۲ از آن کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز چنان کرد تا خود را فراموش کنند، ایشان نافرمانند. حقیقت آن است که اگر ما به فطرت انسانی باور نداشته باشیم، فاقد معیار و ملاکی برای تشخیص حقوق خواهیم بود، چه بسا نویسندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر از چنین خاستگاهی بوده‌اند که آگاهانه یا ناخودآگاه در مقدمه این اعلامیه از ضرورت شناخت درون مایه انسان به منظور تحقق آزادی، عدالت و صلح سخن به میان آورده‌اند. بدین ترتیب میان غرب و اسلام درباره مصداق‌های حقوق بشر دوگانگی و اختلاف گسترده‌ای وجود دارد؛ گو اینکه وجود چنین اختلاف و دوگانگی به معنای عدم امکان وصول به گستره های مشترک نیست. مقایسه متن دو اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز بر همین نتیجه گیری صحه می‌گذارد. **چالش هژمونی تمدنی میان اسلام و غرب چگونه حل می‌شود؟ چون به هر حال ممکن است که تصور شود هر دو تمدن خود را تمامیت خواه می‌دانند و وجود رقیبی را تحمل نمی‌کنند؟**

کاملاً طبیعی است که اسلام خود را به مثابه محور و الگوی تمدن بشری قلمداد می‌کند، به این اعتبار که پایان بخش الگوهای تمدنی است که آفریدگار جهانیان به اقتضای لطف خود برای بشریت ارمغان داشته و امت اسلامی را الگو و شاهدی برای تمامی جهانیان در نظر گرفته است. «و کذلک جعلناکم اُمّه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس ویكون الرسول علیکم شهیداً» ۳ آری چنین است که شما را بهترین امت‌ها قرار دادیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

غرب نیز خود را به منزله محور تمدنی (هژمونی) که دیگر ملت‌ها باید بدان اقتدا کنند، مطرح کرده است، غرب خود را به تعبیر فوکویاما، اندیشمند ژاپنی الاصل آمریکایی به مثابه هدف و پایان تاریخ مطرح ساخته است به رغم اینکه ساموئل هانتینگتون از نظر روش کار با او اختلاف دارد و قائل به ایده جنگ تمدن هاست، اما در نتیجه کار یعنی چیرگی محتوم تمدن لیبرالیستی غربی بر همه تمدن‌ها یا او کاملاً هم عقیده است. این ایده را آبراهام رایان نیز با این تفاوت بر زبان آورده است که جهان اسلام نیز باید با سپری کردن مراحل به این سطح ناآل آید. او اعتقاد دارد جهان اسلام در قرن پانزدهم هجری قمری از همان مرحله‌ای گذر خواهد کرد که جهان غرب در قرن پانزدهم میلادی با رنسانس

خود به وضع کنونی رسیده است.

این ایده را همراه با نوعی نخوت و مقایسه‌های ناروا حتی میان برخی دیدگاه‌های اسلامی و مسیحی سیاستمداران و حقوقدانان غربی دیگری نیز بر زبان رانده‌اند. در حالی که نهایتاً در عرصه گفت و گو باید طرفین به رغم تمامی ادعاهای خود، در شرایطی یکسان قرار گیرند. همانگونه که ائمه معصومین(ع) در محاجات خود چنین شیوه‌ای داشتند.

به هر حال دو طرف گفت و گو به رغم ادعای جهان شمولی و جهانی سازی باید به چه الزامات کرداری پایبند باشند؟

در اینجا باید به هر یک از دو طرف اجازه دهیم تصورات و دیدگاه‌های خود را مطرح سازند تا درباره اصول بنیادین که پذیرش چند صدایی، همکاری و نظم مشترک جهانی در خدمت به تمامی بشریت به منظور جلوگیری از هرز رفتن نیروها و امکانات آن اتفاق نظر حاصل آید.

در این میان اسلام به مثابه آخرین حلقه از زنجیره ادیان الهی برای اصلاح بشر و بسان راه نجاتی که از سوی آفریدگار برای بشریت در نظر گرفته، در صحنه گفت و گو حضور دارد. اسلام بر فطرتی که میان همه افراد بشر مشترک و مبتنی بر منطق گفت و گو و اقتاع است انگشت می‌گذارد و خود را به مثابه تنها راه نجات بشریت عرضه می‌کند. چنین اسلامی برای تحقق اهداف خود از برنامه تغییرات فردی و اجتماعی بهره گرفته است و سعی در حذف مرزهای جغرافیایی، نژاد، رنگ و تفاوت‌های زبانی دارد و در پی ایجاد جامعه‌ای جهانی با یک قانون و یک رهبری و برخوردار از احساسات مشترک و اهداف یگانه انسانی است. این جهان گرایی در بسیاری از متون اسلامی درخور نتیجه گیری است. از جمله آیه: «قل یا ایّها الناس إنی رسول الله إلیکم جمیعاً» ۴ بگو ای مردم من فرستاده خدا بر همه شما هستم و آیه «وإِن یَکَادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیَظْلَمُنَّکَ بَأَنسَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَحْجُونٌ* وَمَا هُوَ إِلَّا ذَکْرٌ لِّلْعَالَمِینَ» ۵ و کافران چون قرآن را شنیدند نزدیک بود تو را با چشمان خود به سر درآورند و می‌گویند او دیوانه است و حال آن که قرآن برای جهانیان جز اندرزی نیست. برخلاف ادعاهای برخی خاورشناسان و مورخان آیات و احادیث بسیاری وجود دارد که نشان از جهانی بودن اسلام از همان ابتدای پیدایش است گو اینکه گرایش جهانی اسلام روندی تدریجی داشته است که در اینجا فرصتی برای توضیح مطلب وجود ندارد.

طبیعتاً اسلام به مثابه یک مکتبی و البته با داعیه تکامل و تکمیل، به مقوله آموزش بشر عنایتی ویژه دارد. به نظر شما به رغم هرج و مرجی که امروز به مثابه رهاورد پوزیتویسم خودنمایی می‌کند، تمدن اسلامی باید نسبت به آموزش چه شئونی از زندگی انسانی اهتمام بیشتری داشته باشد؟

کسی نمی‌تواند نسبت به دید مثبت اسلام به امر آموزش کمترین تردیدی به خود راه دهد. اسلام دین علم است و طرفدار آموزش و فراگیری دانش از سوی انسان در هر مرحله سنی است. ما در خصوص آموزش حقوق فردی و اجتماعی به انسان هیچ مشکلی نمی‌بینیم و علی الاطلاق هیچ مانعی در مسیر طرح حقایق در برابر انسان وجود ندارد. اشکال واقعی در سوء استفاده از آموزش و شیوه‌های آن به منظور تحقق هدف‌های غیر انسانی است که البته اسلام با آن مخالفت و در برابرش ایستادگی می‌کند.

مثلاً آموزش مسائل و روابط جنسی و پیامدهای آن برای برکنار ماندن از پیامدهای منفی و تحقق هدف از آفرینش انسان و تضمین تداوم نسل بشر و توانایی وی در آبادانی و بنای جامعه‌ای سالم، امری لازم و کاملاً طبیعی است، اما خطر واقعی در سوء استفاده از آنهاست، زیرا مربوط به جنبه بسیار حساس و شعله وری در زندگی انسان به ویژه جوانان است، سوءاستفاده از آن نیز در همین نکته نهفته است و ما را به رعایت احتیاط وامی‌دارد.

ادامه در صفحه بعد

آیت الله لواسانی این ظلم بزرگ در شهر مدینه و که مرکز اصلی مکتب امام باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) بود تا حدودی مرتفع شد.

وی اگرچه در ابتدا به صورت رسمی حوزه علمیه‌ای تأسیس کرد اما پس از چند سال همچون مهدیه، حوزه علمیه وی نیز تعطیل شد و او از طرق مختلف و ارتباط با شاگردان خاص به تربیت طلاب می‌پرداخت.

هم‌اینک برخی از شاگردان وی در شهرهای مختلف مدینه به مکتب اهل بیت خدمت می‌کنند و اگر نبود این اقدام مهم ایشان، شاید تشیع و مکتب اهل بیت هم‌اینک در مدینه و مناطق مختلف عربستان مهجور مانده بود. برخی از شاگردان وی عبارت‌اند از مرحوم أستاذ عباس حسن (أبو عمار)، أستاذ قاسم شاهر، دکتور فهد أبو العصاری وشیخ علی نصار أبو العصاری.

به واسطه جایگاه ایشان بود که در دهه پنجاه شمسی، آیت الله العظمی خوئی وکالت تامه به ایشان داد و برخی دیگر از مراجع عظام تقلید نیز همچون آیت الله العظمی سید حسین الطباطبائی القمی و آیت الله سیدعلی حسینی اصفهانی که به کمتر کسی اجازه اجتهاد و تصرف در امور شرعی می‌داد، به این عالم مجاهد وکالت و اجازه تصرف و صرف وجوهات شرعیه را دادند.

این عالم مجاهد پس از شصت سال خدمت به مکتب اهل بیت که همواره تواضع و فروتنی و دوری از نام و عنوان را سرلوحه خود قرار داده بود صبح روز ۲۰ محرم و در ۸۹ سالگی دارفانی را وداع گفت.

مراسم تشییع جنازه وی با شکوه فراوان توسط شاگردان و شیعیان مدینه برگزار شد و در قبرستان بقیع و مجاورت قبور پاک ائمه بقیع به خاک سپرده شد.

عاش سعیدا و مات سعیدا

منابع:

– سایت مباحثات

– سایت‌الاشاره

که تمدن غربی به ویژه سردمداران آن در موضوع «حمایت از صهیونیسم» تا چه حد می‌توانند در این گفت و گوها آسیب پذیر باشند؟

دشمنی صهیونیسم با امت اسلامی آن چنان شدید است که بنا بر جنبه نژادپرستی صهیونیسم از یک سو و اصالت جنایت پیشگی صهیونیست‌ها از سوی دیگر با گذر زمان شدت وحدت بیشتری نیز می‌یابد. اینک بیش از یک سده زمانی سرشار از تجاوز به حقوق به رسمیت شناخته شده بین المللی مسلمانان را پشت سر گذارده‌ایم، دشمن صهیونیستی ده ها و حتی صدها قطعه‌نامه سازمان ملل را به گونه توهین آمیزی زیر پا نهاده که بشریت از آن شرمسار است. با وجود چنین پرونده سیاهی شاهد آنیم که غرب و امروزه پیشاپیش آن ایالات متحده امریکا از این رژیم دفاع و همه گونه از آن حمایت می‌کند، بدین منظور حتی شعارهای به اصطلاح حمایت از حقوق بشر را نیز به بوته فراموشی می‌سپارد و این رژیم را الگوی دموکراتیکی برای جهان سوم قلمداد می‌کند. غرب با این حمایت‌ها و سیاست‌ها ثابت می‌کند حمایتش از حقوق بشر دروغی بیش نیست. او سیاست یک بام و دو هوا را در پیش گرفته است و کین و نفرت جهان اسلام و هر انسانی را که به انسانیت خویش ارج می‌نهد، بر می‌انگیزد. چه بسیار کسان که سعی داشته‌اند در این زمینه گستره‌های مشترکی جست و جو کنند، اما در برخورد با خوی نژادپرستانه و جنایتکارانه صهیونیسم همه این تلاش‌ها با ناکامی مواجه شده است به نظر ما جای هیچ گونه سازشی در این باره وجود ندارد.

پاورقی:

۱. قرآن کریم، سوره انسان، آیه ۳.
۲. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۴۳.
۳. قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۵۸.
۴. قرآن کریم، سوره حشر، آیه ۱۹.
۵. قرآن کریم، سوره قلم، آیات ۵۱-۵۲.

به مناسبت درگذشت مرحوم آیت الله سیدمحمد لواسانی

شصت سال مجاهدت عالم ایرانی در مدینه منوره



مجاهد حمایت کنند.

ملجأ شیعیان مدینه، پناهگاه زائران شیعه

این عالم و مجتهد مکتب نجف با حضور خود در مدینه منوره امید دیگری به شیعیان بخشید. شیعیان این منطقه که به واسطه قدرت گرفتن آل سعود و حکمرانی وهابیت بر منطقه مورد ظلم قرار گرفته بودند و از جهات مختلف به‌ویژه مالی و نان شب در مضیقه بودند گرد این عالم ربانی جمع شدند. وی صدها خانواده یتیم و نیازمند شیعه را تحت تکلف خود داشت و با کمک‌های مختلفی که از عراق، ایران و اجازات دریافت و صرف وجوهات شرعیه داشت توانست نقض مهمی در هویت بخشی مجدد به تشیع در مدینه منوره ایفا کند.

وی اصرار داشت به جای آنکه فقرا سراغ او بیایند، همچون سیره ائمه اطهار به خانه فقرا سرکشی کند و مایحتاج آنان را تأمین کند. آیت الله سیدمحمد لواسانی قریب به نیم قرن متولی رسیدگی به امور معیشت صدها خانواده شیعه در مدینه بود و توانست ملجأ آنان در منطقه گردد. دعاوی شیعیان منطقه نزد او حل و فصل می‌شد و نظر وی برای همگان قابل احترام بود.

از سوی دیگر وضعیت نابسامان زائران شیعی که از کشورهای مختلف از جمله ایران و عراق به مدینه منوره سفر می‌کردند برای ایشان قابل تحمل نبود؛ لذا تصمیم گرفت زائرسرای به همین منظور ایجاد کند.

بر همین اساس با همکاری شهیر وقت حاج عباسعلی اسلامی و حاج فرید موحد از بزرگان تجار بازار تهران و

اکرم(ص) نیز این کار را برای اصحاب خود حلال کردند. همچنین اسلام – البته بنا بر برخی دیدگاه‌های فقهی – مانع از آن نمی‌شود که در صورت بیم جان مادر یا دچار بودن جنین به بیماری صعب العلاج سقط جنین صورت گیرد. به هر حال سقط جنین نباید به صورت یکی از راه‌های تنظیم خانواده در نظر گرفته شود و چنانچه از نظر شرعی روا داشته شد حتما باید به روش درست و مطمئنی انجام گیرد. همچنان که اسلام مطلقاً حرام می‌داند که مادر به دلیل عدم تمایل به حاملگی یا بنا به وجود برخی نتایج منفی اقتصادی و اجتماعی اقدام به سقط جنین کند. جنین به هر صورتی که شکل گرفته باشد – حتی اگر از راه حرام باشد – انسان درخور احترامی است که حق زندگی دارد، حرمت این موجود را باید پاس داشت و همه گونه شرایط مناسب برای رشد، تکامل و تولد سالم و درست او را فراهم آورد.

در این میان دو مسئله همچنان خودنمایی می‌کند:

مشکل جوانان امروز به یکی از چالش‌های مهم جوامع غربی مبدل شده است. به نظر می‌رسد که تبیین دیدگاه اصیل اسلامی در این باره می‌تواند یکی از پاشنه‌های آشیل تمدن و مکاتب غرب را نمایان سازد. اینگونه نیست؟

در این باره باید گفت که نسل جوان به اقتضای طبیعت پویا و شاداب و نیز تحولات زندگی خود با بسیاری از مشکلات و رفتارهای گوناگونی که گاهی با افراط و تندروری همراه است و گاهی نیز در جامعه گریزگاهی از آنها نمی‌یابد و به مسائلی چون مشکلات جنسی، ازدواج و گرایش به راهی از هر قید و بند و سرکشی نسبت به سنت‌ها و شکل گیری پرسش‌های متعدد، نگرانی‌های شخصیتی – روانی برخاسته از درآمیختگی دوران کودکی و بزرگسالی و مشکلات آموزش و نظایر آن روبه روست.

همه این حالت‌ها همچنان که گفتیم مستلزم برخورد خردمندانه و با بهره‌گیری از مطالعه و بررسی‌های میدانی، دیدارهای دوستانه و آزاد و کوشش به منظور

انتشار خبر ارتحال آیت الله سید محمد حسینی لواسانی از جهاتی برای بسیاری از متدینین جالب توجه بود. عالم و مجتهد ایرانی که شصت سال در مدینه منوره سکونت داشت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حج، آیت الله حاج سید محمد حسینی لواسانی فرزند مرحوم آیت الله حاج میرسیداحمد لواسانی بود که روز نهم ذی الحجه سال ۱۳۴۳ قمری در نجف اشرف چشم به جهان گشود. از همان دوران نوجوانی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد و مقدمات را در نزد پدر و برخی از اساتید خود فراگرفت.

وی دروس سطح را در محضر حضرات آیات سیدعلی بهشتی و سیدمحمدباقر محلاتی فراگرفت. درس خارج را در محضر حضرات آیات سیدعلی الفانی و سیدابوالقاسم خوئی تلمذ نمود به‌گونه‌ای که جزء شاگردان میرز آنها قرار گرفت.

وی در همان سال‌ها به تدریس دروس سطح نیز اشتغال داشت و در حوزه علمیه نجف شاگردان مختلفی را تربیت کرد.

هجرت برای جهاد در راه خدا

وی در دهه سوم عمر خود احساس کرد تکلیف دیگری بر عهده دارد. برهمین اساس بود که هجرت به مدینه منوره را بهترین راه برای خدمت به مکتب اهل بیت تشخیص داد. انتخابی که برای دوستان وی عجیب بود. چراکه او در حوزه علمیه نجف جایگاه قابل توجهی را کسب کرده بود و حضور در این حوزه و ادامه تدریس می‌توانست زمینه مرجعیت را هم برای وی فراهم کند. زمانی که از قصد خود برای دوستانش سخن گفت همه او را از این تصمیم برحذر می‌کردند و پاسخ وی چنین بود: «من به قصد مجاهدت در راه خدا به مدینه هجرت می‌کنم»

وی به سال ۱۳۷۳ قمری (۱۳۳۳) شمسی به مدینه منوره مهاجرت نمود. زمانی که این اقدام وی به اطلاع آیت الله العظمی بروجردی رسید، ایشان از این اقدام تجلیل کردند و به همگان توصیه کردند از این عالم

ادامه از صفحه قبل

از همین رو بود که ما معمولاً در گفت و گوهایی که در زمان تصدی ریاست مجمع تشخیص با طرف‌های غربی داشتیم اصرار می‌کردیم آموزش جنسی در سن مناسب و زیر نظر والدین صورت بگیرد تا مبادا به نتایج منفی جسمی – روانی فردی یا اجتماعی منتهی شود. بنابراین بهتر آن است که برنامه اصولی و خردمندانه‌ای برای آموزش فرزندان دختر و پسر ما و انتقال اطلاعاتی که در این زمینه بدان نیاز دارند تدوین شود. احکام مربوط به این بخش در باب‌های فقهی متعددی چون طهارت، نکاح، مجازات و غیره پراکنده است. پنهان کاری در برخی موارد و به عذر شرم و حیا و نیز پرده نگشودن از اسرار البته تا حدی طبیعی است، اما این بدان معنا نیست که اطلاعات لازم را به آنان منتقل نسازیم و آنان را به ورطه گناه، دلهره و نگرانی منتقل کنیم.

در این حوزه که اسلام سخنان مهمی برای گفتن دارد، مثلاً در مقوله سقط جنین که امروزه در بخش‌هایی از غرب رویه متداول و حتی طبیعی تلقی می‌شود! اما اسلام در کلان قضیه، حتی تحقق یک مورد از آن را به مثابه کشتار تمامی انسان‌ها می‌داند. درباره مسئله سقط جنین باید گفت برخی کشورها این کار را به صورت طبیعی در قوانین داخلی خود مجاز شمرده‌اند. برخی دیگر از کشورها به سرکردگی کلیسا، هرگونه عمل سقط جنین و حتی تنظیم خانواده و برنامه ریزی با استفاده از قرص‌های ضد بارداری و غیره را تحریم کرده‌اند مگر آن که برنامه ریزی یاد شده برای مقاربت جنسی در ایام معینی از ماه برای کاستن از احتمال انعقاد نطفه باشد.

جهت گیری اسلامی در مقایسه با دو جهت گیری یاد شده راه میانه است. اسلام این کار را منع کرده است و پس از انعقاد نطفه سقط جنین را حرام می‌داند و در عین حال مانی برای انجام اقداماتی به منظور پیشگیری از انعقاد نطفه نمی‌بیند همچنان که پیامبر

ماه ۳۲ در جلو دبیرستان فردوسی گلپایگان با حضور عده ای از مریدان خود میتیگی تشکیل داده و به نام کودتای نظامی و در پناه مأمورین پلیس وقت، نسبت به مقدسات ملی و خاندان جلیل سلطنت با کمال بی شرمی هتاک و عملیات او تا روز ۲۸ مرداد ادامه داشته است و پس از قیام ملی ۲۸ مرداد، از گلپایگان متواری شده و به تهران می آید در تهران نیز مشغول تحریک مردم بر علیه دولت بوده و مرامنامه ای به نام (جمعیت مسلم آزاد) منتشر می نموده که در تاریخ ۳۲/۱۲/۱۱ دستگیر و برابر ماده ۵ فرمانداری نظامی بازداشت می شود. ضمناً مشارالیه در رکن ۲ ستاد ارتش و دوایر گلپایگان هم دارای پیشینه مضره می باشد.

علیهذا آنچه از پرونده امر و سوابق این شخص استنباط می شود، مشارالیه عنصری است ناراحت که

سازمان ها، گروه ها و اشخاص اسلامی و سیاسی بودم: مرکز اسلام گرایان از «اتحادیه مسلمین» مرحوم حاج سراج انصاری تا گروه شیعیان مرحوم خمسی و مکتب اهل البیت فرهنگ نخعی (ریمن) - و بعد کانون شیعیان - و جمعیت مسلم آزاد و جریده هفتگی «ندای حق» و مجله «اخگر» و... منطقه گلوبندک و خیابان خیام و اطراف آن، به همه جا سر می زدم البته نه نیازی به اتومبیل بود و نه به درشکه! نه خیابان پر از آدم و نه ترافیک سرسام آور و نه هوای آلوده منهای اکسیژن!... با مسئولان همه آن سازمان ها و گروه ها یکایک دیدار داشتم؛ از جمله جناب شیخ مصطفی رهنما.

مردی بود بلندقامت، استوار، با صوتی دلنشین و آرام و لحنی ملایم در صحبت و زلال و بی غل و غش، در ظاهر و باطن. از مجله «حیات مسلمین» پرسیدم که در شرف تعطیل بود و کمال استضعاف در آخرین شماره های آن، از لحاظ چاپ و کاغذ هویدا بود؟ اما کله ای نداشت و می گفت در همه جراید کشور مقاله خواهد نوشت و از فعالیت باز نخواهد ایستاد. آن ایام بیشتر متوجه جهاد برادران الجزایری بود و بعد فلسطین و در حد توان خود، با زبان و قلم به کمک آن ها می رفت و حتی مبالغ اندکی که به مناسبتهای مختلف در مسجد هدایت و یا از افراد به دست می آورد، از طرق مختلف برای رزمندگان و مجاهدان می فرستاد و این را حداقل کاری می دانست که می توانست انجام دهد و البته این امر برای رژیم بسیار حساسیت زا بود و در اسناد و گزارش ها، بر چگونگی آن پرداخته اند.

یکی از اهداف اصلی او، وحدت مسلمین و تقریب بین مذاهب اهل سنت و شیعه بود و مقالات و اخبار بی شماری هم در این زمینه در حیات مسلمین و سپس روزنامه ندای حق و غیره منتشر می ساخت.

شادروان علی حجتی کرمانی در دیدار دیگری، همراه بود و به شوخی به شیخ گفت: «ظاهراً بانی و دبیر اول و آخر جمعیت مسلم آزاد فقط خودتان هستید!» خم به ابرو نیاورد و خنده ملیحی که همیشه داشت، پاسخ آقای حجتی بود و سپس افزود: «شما حرف

های دشمنان را باور نکنید و البته اگر هم چنین باشد، من به عنوان «واحد کالف» [یکی همچو هزاران] در میدان خواهم بود.»

دیدارها به علت شرایط خاص سیاسی، کمتر شد... مگر در مسجد هدایت یا انجمنی که جمعی حضور می یافتند او را می دیدم... ولی او همچنان پرنشاط بود و همیشه یک بغل روزنامه و مجله عربی همراه داشت که برای کسب اطلاع از اوضاع بلاد عربی و اسلامی و مسائل الجزائر و فلسطین و غیره، آن ها را از سفارتخانه ای عربی می گرفت و توزیع می کرد و همین، یکی از اتهامات او در اوراق ساواک و شهربانی ثبت شده که او با سفارت های بیگانه ارتباط دارد! و در پرونده اش در گزارش های شهربانی و ساواک، موجود است و در محاکمه او، توسط رژیم هم، به درد دشمن می خورد!

چند سند

اسناد پرونده شیخ مصطفی رهنما در آرشیو ساواک نشان می دهد که او در همه جا، با استفاده از هر فرصتی، برضد رژیم پهلوی سخنرانی و افشاگری نموده است. شاید نخستین سند رسمی در این زمینه، گزارش محرمانه «سرتیپ بختیار» فرماندار نظامی وقت تهران باشد که آن را به وزارت کشور فرستاده و در آن آمده است:

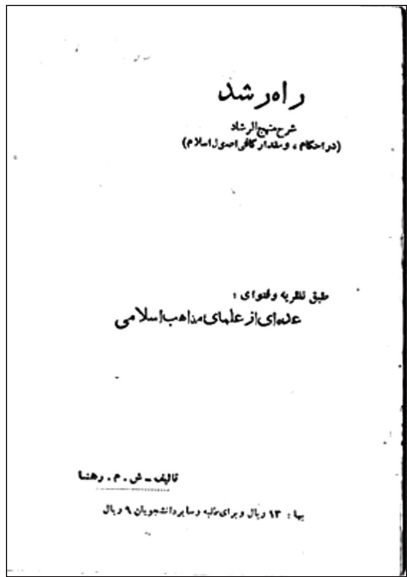
«وزارت کشور (محرمانه) درباره شیخ مصطفی مدیر مجله حیات مسلمین بازگشت به شماره ۶۴۳/۴۴۰۱ با اعلام اینکه پرونده شخص یاد شده بالا در آخرین مرحله رسیدگی است. نامبرده در تاریخ ۲۵ مرداد

نشان دهنده چگونگی گوشه ای از حقایق تاریخ معاصر ایران باشد.

کتاب ها و رساله های متعددی نیز، اعم از ترجمه و تألیف از شیخ به یادگار مانده که از آن جمله است: ۱- راه رشد، ۲- مسلمین جهان، ۳- جنگ رمضان، ۴- صلاح الدین (مردی که بر غرب پیروز شد)، ۵- الجزائر قهرمان، ۶- شعله ای از انقلاب فلسطین و لبنان، ۷- تاریخچه اقدامات مذاهب اسلامی، ۸- چرا مسلمین فقه یکدیگر را بخوانند؟ ۹- کتاب سرگذشت رضاخان سوادکوهی، ۱۰- کتاب مشروطه مشثومه... که بخش هایی از این دو کتاب در مجله «حیات مسلمین» به چاپ می رسید؛ ولی به شکل کتابی مستقل انتشار نیافت.

راه رشد

به عنوان نمونه، به یکی از آثار او که درواقع رساله عملیه شیخ شوشتری است، اشاره می کنم: «راه رشد» کتاب کوچکی است در ۶۰ صفحه در بیان احکام و تبیین اصول اسلامی که در واقع ترجمه و شرح کتاب «منهج الرشاد» آیت الله شیخ جعفر شوشتری است با حواشی و فتاوی مراجع عظامی چون آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله حاج آقا حسین قمی، آیت الله سیدحسین بروجردی و آیت الله شیخ عبدالنبی عراقی... رهنما در مقدمه کتاب می نویسد که برای آشنایی جوانان و مردم مسلمان از اصول و احکام اسلامی، به ترجمه و تحشیه آن پرداخته تا همگان آگاهی لازم از مفاهیم و مبانی و اصول اسلامی داشته باشند و البته همین امر می تواند دلیل محکمی بر رد اتهامات توده



ای! بودن او باشد... در آغاز این کتاب، تقریظی هم از مرحوم آیت الله شیخ عبدالنبی عراقی نقل شده است که مطالعه آن می تواند ارزش کتاب و ثمره کوشش شیخ مصطفی رهنما را روشن نماید: «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الاول بلا اول کان قبله والآخر بلا آخر کان بعده، والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهیرین وصحبه التابعین ولعنة الله علی اعدائهم الی قیام یوم الدین. اما بعد: همیشه مخصوصاً امروزه مسلمانان همه دنیا، قبل از هر چیزی محتاج به شناختن احکام اساسی اسلام و ایمان و اصول عقاید مذهب و دین می باشند و کتابی که برای نوع برادران اسلامی تا حدودی که این مقصد عالی را تأمین کند، در دسترس مردم دیده نمی شود و کتاب منهج الرشاد مرحوم آیت الله العظمی شیخ جعفر تستری طاب ثراه می تواند این نقیصه را برطرف کند و جناب مستطاب قدوه الفضلاء عمادالمروجین خادم المسلمین آقای شیخ مصطفی رهنما کرمانشاهی دام بقاءه هم اموراتی بر آن افزودند راجع به عده مطالبی مهمه در بیان وی و بسیار مجاهدت نمودند در تدوین آن، البته مورد تقدیر است و باعث مأجوریت است و در خاتمه عمل به حواشی حقیر بر آن انشاء الله مجزی است و مأجور. به تاریخ شهر ذی الحجه سنه ۱۳۷۴ من الجانی نجفی عراقی»

نخستین دیدار

... وقتی به قم آمدم، رفت و آمدم به تهران نیز آغاز شد. با کنجکاوی جوانانه، به دنبال همه انجمن ها،

شرایط همکاری و عضویت

ماده ۱- هر کس عقیده او مطابق اصل اول است، یعنی معتقد به توحید و نبوت و معاد می باشد، می تواند وارد این جمعیت شود اگر چه در سایر احزاب هم اسم نویسی کرده باشد.

ماده ۲- هر کس همکاری خود را با این جمعیت اعلام نموده و مشخصات و نشانی خود را ارسال دارد، جزو همکاران درخواست خواهد آمد.

ماده ۳- فرستادن حق عضویت و همکاری منوط به توانائی و تمایل همکاران بوده و اجباری نیست و سایر مسلمین نیز می توانند به این جمعیت مساعدت نمایند. ماده ۴- این جمعیت تمام احزاب و جمعیت هایی را که مسلمین تشکیل داده و یا می دهند، محترم شمرده و با آنان تعاون و تعاضد خواهد نمود.

این مرامنامه به زبان های ترکی و عربی و اردو و فرانسوی نیز ترجمه شده است و مجانی می باشد.

بانی جمعیت مسلم آزاد و مدیر مجله حیات مسلمین

شیخ مصطفی رهنما

البته در چاپ چهارم مرامنامه، که سال ها بعد انتشار یافت، تغییرات کلی در محتوا و مضمون آن داده شده و در واقع تکمیل گردیده است.

رهنما علاوه بر نشر مستقل «مرامنامه» به شرح مواد آن در شماره های متعدد مجله «حیات مسلمین» می پرداخت؛ ولی این شرح و بسط به طور مستقل چاپ نشد.

اتهام چپ گرایی

پس از مدتی و در شماره های آخر مجله، شیخ به نشر مثبت اخبار مسلمانان شوروی و کنفرانس های آنان اقدام کرد و همزمان و ناگهان، ایجاد تشکل دیگری تحت عنوان «جمعیت سوسیالیستی اسلامی» را اعلام نمود و در شماره ۲۳ مجله در نخستین بیانیه هدف این جمعیت سوسیالیستی اسلامی را «کمک به فقرا و بینوایان» نامید و مبارزه با «دشمن غربی» را خواستار شد.

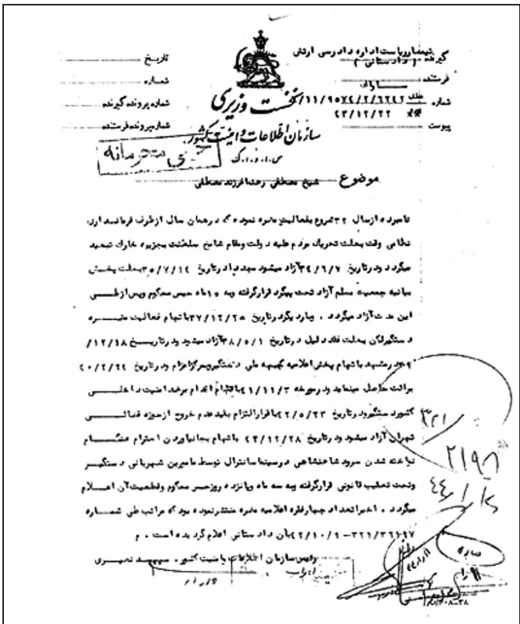
این گرایش تقریباً چپ گرایانه و حضور وی در انجمن فرهنگی شوروی در تهران، باعث شد که مورد هجمه دوستان و دشمنان قرار گیرد و حتی روزنامه «نیروی سوم» - ارگان خلیل ملکی - در تاریخ ۳۱/۸/۱ تحت عنوان «حزب توده لباس دین پوشیده» و جمعیت سوسیالیستی اسلامی تشکیل نشده را شاخه ای از حزب توده و مجله «حیات مسلمین» را ارگان آن نامید و این اتهام همچنان باقی ماند تا اینکه پس از کودتای ۲۸ مرداد، شیخ مصطفی رهنما را هم دستگیر و همراه «توده ای ها» به جزیره خارک تبعید نمودند!!

البته شیخ مصطفی همواره اتهام همکاری با حزب توده را تکذیب و نفی کرد و آن را ساخته و پرداخته ایادی رژیم شاه می نامید؛ ولی وقتی بنای طرف مهاجم بر بی تقوائی استوار باشد، نمی شود کاری کرد و عجیب آنکه یکی از برادران «فدائی اسلام» سابق ما، درباره شیخ رهنما می گوید: «... این رهنما واقعا توده ای بود، یک روز در مدرسه دارالشفا آمده بود حجره من که در آن موقع هنوز معمم نشده بودم، از کیفش عکس های چاپ شده لنین را درآورد و بین طلاب پخش می کرد که من او را از اطاقم بیرون کردم.» (اسناد مربوط به مرحوم شیخ حسین لنگرانی، چاپ مرکز بررسی اسناد تاریخی تهران، ص ۲۳۲)

و البته باید در تکذیب ادعای فوق نوشت: در آن ایامی که آن جناب! هنوز معمم نشده بود، شیخ رهنما در نجف بود و بعد هم که به ایران برگشت، در تهران به سر می برد و ما هم که در قم بودیم و همه چیز را «رصد» می کردیم، همچو امری را شاهد نبودیم و خبر آن را هم از هیچ کس نشنیدیم. شیخ مصطفی این اکاذیب را در اسنادی که در ساواک موجود است، به شدت رد و تکذیب می کند که اخیراً منتشر شده اند.

تألیفات و آثار

شیخ مصطفی رهنما علاوه بر مقالات مجله حیات مسلمین که ۲۵ شماره از آن منتشر شد، صدها بیانیه و مقاله هم به عربی و فارسی در مطبوعات ایران و عراق و هند، در زمینه های مختلف سیاسی - اجتماعی منتشر ساخت که جمع آوری و بازچاپ آنها، می تواند



روشن گردد. در این پرونده «خیلی محرمانه» ساواک به دادستانی در تاریخ ۴۳/۱۲/۲۲ می خوانیم:

«نخست وزیری - تیمسار ریاست اداره دادرسی ارتش - گیرنده دادستانی، فرستنده: ساواک، شماره ۱۱/۹۵۷۴/۶۲۴۲ تاریخ ۴۳/۱۲/۲۲، موضوع: شیخ مصطفی رهنما. نامبرده از سال ۳۲ شروع به فعالیت مضره نموده که در همان سال از طرف فرمانداری نظامی وقت به علت تحریک مردم علیه دولت و مقام شامخ سلطنت به جزیره خارک تبعید می گردد. در تاریخ ۳۴/۶/۷ آزاد می شود. مجدداً در تاریخ ۳۵/۷/۱۴ به

علت پخش بیابیه جمعیت مسلم آزاد تحت پیگرد قرار گرفته و به ۱۵ ماه حبس محکوم و پس از طی این مدت آزاد می گردد. و بار دیگر در تاریخ ۳۷/۱۲/۲۵ به اتهام فعالیت مضره دستگیر، لکن به علت فقد دلیل آزاد می شود و در تاریخ ۳۹/۱۲/۱۸ در مشهد به اتهام پخش اعلامیه جبهه ملی دستگیر و به مرکز اعزام و در تاریخ ۴۰/۲/۲۱ برائت حاصل می نماید و در ۴۱/۱۱/۳ به اتهام اقدام برضد امنیت داخلی کشور دستگیر و در تاریخ ۴۲/۵/۲۲ با قرار التزام به قید عدم خروج از حوزه قضائی تهران آزاد می شود و در تاریخ ۴۲/۱۲/۲۸ به اتهام به جا نیاوردن احترام به هنگام نواخته شدن سرود شاهنشاهی در سینما سانترال توسط مأمورین شهربانی دستگیر و تحت تعقیب قانونی قرار گرفته و به سه ماه و پانزده روز حبس محکوم و قطعیت آن اعلام می گردد. اخیراً چهار فقره اعلامیه مضره منتشر نموده بود که مراتب طی شماره ۶۶۱۱/۳۶۱۹۷ ۴۲۸۰/۹ به آن دادستانی اعلام گردیده است. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور سپهبد نصیری.»

نکته مهمی که از گزارش سپهبد نصیری می توان به دست آورد، این است که شیخ مصطفی پس از بازگشت از تبعیدگاه خارک و آزادی از زندان قزل قلعه، یک روز هم ساکت ننشسته و هر بار به

دلیل و بهانه ای اقدامی علیه امنیت کشور(!) و عدم مراعات احترام شاه و اباطیلی از این قبیل، دستگیر و راهی زندان شده است.

شیخ رهنما، همواره فداکارانه به جمع آوری کمک برای مسلمانان دیگر بلاد اسلامی می پرداخت. از جمع پول برای سیل زدگان پاکستان تا مبارزان الجزائری و فلسطینی... در یکی دو مورد، بنده در مسجد هدایت، شاهد تلاش و کوشش او در جمع آوری حداکثر وجوه نقدی بودم که گزارش های آن در اسناد ساواک آمده است. در یکی از آن ها در تاریخ ۴۹/۱۰/۳ چنین آمده است:

«به ریاست ساواک تهران (هـ ۳). جمع آوری پول جهت فلسطینیان و مبارزان پاکستان در مسجد هدایت و ارسال آن توسط مصطفی رهنما

عطف به ۴۲۰/۱۰۲۱۸ هـ ۳۵ - ۴۳/۱۰/۳

برابر اطلاع واصله محمد مهدی جعفری و شخصی بنام بهشتی پیور و نامبرده بالا جمعاً مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال بعنوان کمک به جبهه آزاد به بخش فلسطین به سفارت مصر تسلیم نموده اند. خواهشمند است دستور فرمایید ضمن مراقبت دقیق وجهه جانبیه از رهنما نسبت به شناسائی و نفر همراهمان وی اقدام ونتیجه را با تعیین مشخصات کامل و خلاصه ای از سوابق آنان با این اداره اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم

رهبر عملیات - صالحی

رئیس بخش ۳۱ - ازغندی

رئیس اداره یکم عملیات تبریس - جوان

۱۱۵-۴۶

رهنما عطف به ۲۰/۱۰۲۱۸ هـ ۳ ، ۴۹/۱۰/۳. برابر اطلاع واصله محمد مهدی جعفری و شخصی به نام بهشتی پور و نامبرده بالا جمعاً ۱۶ هزار ریال به عنوان کمک به جبهه آزادی بخش فلسطین به سفارت مصر تسلیم نموده اند. خواهشمند است دستور فرمایید ضمن مراقبت دقیق و همه جانبه از رهنما نسبت به شناسائی دو نفر همراهمان وی اقدام و نتیجه را با تعیین مشخصات کامل و خلاصه ای از سوابق آنان به این اداره کل اعلام دارند...

مدیر کل اداره سوم - مقدم ۴۸/۱۱/۴
 رهبر عملیات - صالحی
 رئیس بخش ۳۱۶ - ازغندی رئیس اداره تیم عملیات
 - جوان ۴۸۰۵/ - ۴۹/۱۱/۵
کاپیتولاسیون
 در مورد تصویب لایحه کاپیتولاسیون در ایران توسط مجلس رژیم شاه و به دنبال افشاگری امام خمینی (ره)



در این زمینه و تبعید ایشان، شیخ مصطفی به رغم خطرهایی که متوجهش بود، علاوه بر نامه ای که به منصور (نخست وزیر وقت) نوشت، چهار اعلامیه نیز منتشر ساخت که یک نمونه آن چنین بود:

بسمه تعالی
 «اخیراً مردم ایران با سه حادثه تأسف آور مواجه شده اند: اولاً: برخلاف نص قرآن کریم ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً که خداوند متعال تسلط کفار را بر مسلمین نخواسته و با اینکه نیم قرن از گسستن زنجیرهای استعماری کاپیتولاسیون در این کشور می گذرد، مجدداً عده ای که خود را نمایندگان مردم معرفی می کنند، با دادن ۷۳ رأی در انداختن این زنجیر به گردن ما تعاون در اثم و عدوان کرده به کفار خارجی مصونیت داده اند و چون پیغمبر اسلام فرموده: الساکت عن الحق شیطان أخرس، سکوت در این امر جایز نیست.

ثانیاً: مردم ایران که با وجود داشتن، منابع سرشار نفت کمرش در زیر بار قرض های خارجی خم بوده مواجه با تصویب لایحه دیگری یعنی قرضه دویست میلیون دلاری که با ربای پنج درصد می باشد که بقایای استقلال اقتصادی ما را متزلزل خواهد نمود و برخلاف شئون و حیثیت ما است.

ثالثاً: برای تأمین اجرای این تعدیات اقدام حضرت آیت الله شریعتمداری و سایر مراجع تقلید مسلمین نموده و بدین وسیله بی اعتنائی خود را به مقدسات مردم نشان داده است. در این موقع لازم است که از زمامداران مملکت بخواهیم از اجرای مصوبات خلاف قانون و منافعی با حیثیت اسلامی و اقتصادی و سیاسی

خودداری کند و مراجع تقلید و سایر زندانیان سیاسی را آزاد کند و دست از این نوع روش ها بردارد و با کشورهای اسلامی جهان همدست شود.
 اجابت این درخواست ها به نفع زمامداران این کشور مسلمان نشین می باشد و به هرحال باید از آیه: «ولا تحسبن الله غافلاً عما یعمل الظالمون» غافل نباشند. امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه فرموده: من تقی حق من لایقضی حقه فقد غنزه. والسلام علی من اتبع الهدی. ۱۹ رجب ۱۳۸۴ هجری قمری - تهران - ایران؛ سید نورالدین علوی طالقانی، الاحقر خلیل الله علوی فقیه، شیخ مصطفی رهنما، العبدالفانی ابوالفضل الخراسانی، سیدحسین کمالی، العبد حسین وفائی، الاحقر محمدعلی سالاری».

ساواک تهران ضمن جمع آوری اعلامیه های مربوط به کاپیتولاسیون و سلطه صهیونیسم، چهار نمونه از آن ها را به ضمیمه گزارش خود به اداره کل سوم می فرستد و خواستار پیگیری موضوع و شیخ رهنما می شود. گزارش ساواک چنین بود:

نخست وزیری - سری. تیمسار. ریاست ساواک - گیرنده مدیریت کل اداره سوم / ۳۲۱ پیوست ۴ نسخه فتوکپی شماره ۱۰/۱۹۷۶۹ الف - ۴۳/۶/۱۰ موضوع شیخ مصطفی رهنما

...شیخ مصطفی رهنما در تاریخ ۴۳/۶/۱۸ اعلامیه هایی درباره مصونیت مستشاران آمریکایی و دویست میلیون قرضه از آمریکا و نیز اعلامیه ای درباره وضع اتهامی خود در دادگاه و نحوه محاکماتی وی در دادستانی ارتش و اعلامیه دیگری درباره تشکیل دولت اسرائیل و همچنین اعلامیه ای با امضا چند نفر از روحانیون درباره مصونیت مستشاران آمریکایی و قرضه از آمریکا، به نام جمعیت مسلم آزاد چاپ و بین دوستان مورد اعتماد خود توزیع نموده است... علیهذا فتوکپی چهار برگ اعلامیه منتشره که به خط و امضا مشارالیه می باشد به پیوست ایفاد می گردد. خواهشمند است دستور فرمایید نظریه آن اداره کل را درباره شخص یاد شده به این اداره اعلام دارند.

رئیس ساواک استان مرکز مولوی گیرندگان: اداره کل هشتم چهار برگ فتوکپی اعلامیه منتشره از طرف شخص یاد شده جهت اطلاع و هرگونه اقدام و اعلام نظریه به پیوست ایفاد می گردد.

جهت اقدام به اداره ۳۲۱ ارسال می گردد. بررسی و نظریه اعلام شود. (سری)
 پس از نقل چند سند، باید اشاره کنم که خوشبختانه در سال ۱۳۹۰ مجموعه اسناد شیخ در «ساواک» به اضافه بخشی از خاطرات وی از سوی «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» منتشر گردید که گوشه هایی از زوایای روشن نشده زندگی و مبارزه او را نشان می دهد. یکی از دوستان درباره این اسناد نوشته است: «... شاید بتوان کتاب «اسناد خاطرات» وی را دو مؤلفه اصلی پژوهش های تاریخ معاصر تلقی کرد که با کنار هم گذاشتن آن ها می توان وقایع تاریخی را بازسازی و تجربه و تحلیل کرد... این کتاب ... به سهم خود می تواند برخی خلأهای منابع تاریخی دهه های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۰ را پر کند. موضوعات مطروحه در خاطرات و اسناد او حالتی منحصر به فرد به کتابش بخشیده است، به طوری که به ندرت می توان سرنخی از مطالب آن در سایر منابع به دست آورد.» (اطلاعات، ۸/مهر/۹۲، ص ۲)

روابط حسنه با دکتر مصدق!
 رهنما پس از وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و تبعید به خارک و سپس انتقال به زندان قزل قلعه، سرانجام آزاد شد و پس از آزادی، بلافاصله به دیدار کسانی که قبل از کودتا، همواره از آن ها انتقاد می کرد، شتافت و از راه مروت و اخوت با آن ها برخورد نمود؛ از جمله خدمت آیت الله کاشانی رسید و از ایشان عذرخواهی نمود و سپس کتاب خود (مسلمین جهان) را در احمدآباد به دکتر مصدق رساند و او پس از مطالعه، تقدیرنامه ای بر کتاب نوشت که کپی آن به اول کتاب الصاق شد و پس از آن بود که کتاب او توقیف و از طرف ساواک نسخه های آن جمع آوری شد. در مورد دیگری او کتاب «سرگذشت فلسطین» را که تألیف شادروان

«اکرم زعیتر» بود و آیت الله هاشمی رفسنجانی آن را ترجمه و منتشر کرده بود، توانست به دکتر مصدق برساند و آنطور که در خاطرات آیت الله رفسنجانی آمده است، دکتر مصدق پس از مطالعه هر دو کتاب طی یادداشتی از آن ها تقدیر نموده و مبلغی نیز برای خرید و اهدای کتاب «فلسطین» به دیگران در اختیار رهنما قرار می دهد.

این حسن روابط با دکتر مصدق و دیگر فعالان سیاسی ادامه می یابد و طبق اسناد منتشر شده ساواک، رهنما تقریباً همه ساله سعی می کرد که در مراسم ترحیم و یا بزرگداشت وی در احمدآباد شرکت کند که با بازداشت و یا ممانعت از حضور وی همراه بود. و البته نقل این داستان، به مفهوم موافقت بنده با عملکرد دولت آقای دکتر مصدق نسبت به اسلام گرایان نیست... و صد البته جای بحث آن، اینجا نیست..

نامه های دکتر مصدق به شیخ مصطفی رهنما

متن دو نامه دکتر مصدق در مورد این دو کتاب، خطاب به شیخ مصطفی رهنما به قرار زیر است:
 احمد آباد - ۱۰ مرداد ماه ۱۳۴۱
 جناب آقای شیخ مصطفی رهنما

کتاب «مسلمین جهان» تألیف شریف جنابعالی به اینجانب رسید و تأخیر عرض امتنان از این جهت بود که می خواستم پس از مطالعه تشکرات خود را از این مرحمت تقدیم کنم. الحق زحمات زیادی در این راه متحمل شده اید و کار مسلمین جهان را برای درک سوابق و هویت خود بسیار سهل و آسان فرموده اید. از این نشریه اینجانب بسیار استفاده کردم و بدین وسیله تشکرات خود را از فعالیت های خستگی ناپذیر آنجناب تقدیم می کنم و خواهانم که بیش از پیش در تنویر عقاید مسلمین کوشا و ساعی باشید و توفیق حاصل فرمائید. یک قطعه عکس رؤساء دول بیطرف نیز به ضمیمه آن عاید اینجانب گردید.

امضاء - دکتر محمد مصدق
 احمد آباد - ۱۱ آذرماه ۱۳۴۳

عرض می شود مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. از اینکه باز مدتی گرفتار سازمان امنیت شده اید بسیار متأسفم، امیدوارم که دیگر نظایری پیدا نکند و جنابعالی بتوانید در کمال رفاهیت و آسایش از زندگی خود استفاده فرمائید. از کتاب سرگذشت فلسطین بسیار استفاده نمودم و حیفم آمد که این کتاب در گوشه ای بماند و مورد استفاده قرار نگیرد. این است که چک ناقابل هم تقدیم می کنم که بتوانید از آن بیشتر استفاده فرمائید و آن را در معرض استفاده عموم قرار دهید.

ارادتمند دکتر محمد مصدق
 ادامه در صفحه بعد



گفت: «این ها پول زیادی می گیرند!» خواهش کردم میهمان من باشد؛ گفت: «دوست ندارم مدیون کسی باشم.» گفتیم: «من بابت اشتراک مجله حیات مسلمین که رایگان برایم می فرستادید، هنوز مدیون شما هستم» بلافاصله یادآور شد که: «من خودم مجموعه کامل مجله را ندارم و شما یک بار گفتید که آنها را در کتابخانه خود دارید؛ اگر ممکن است مدتی آنها را به من امانت بدهید.» این بار من خندیدم، گفتم: «جناب رهنما، هرگز!» پرسید چرا؟ گفتم: «اگر آنها را به دوستان علاقمند امانت می دادم، به یقین اکنون آنها را نداشتیم!» باز خندید و گفت: آهست!

شیخ را سوار تاکسی سرویس کردم. باز تکرار کرد که: «مدیون نباشم؟» گفتم: «هرگز، بنده همچنان بدهکارم!» و این آخرین دیدار بود.

پایان

شیخ مصطفی رهنمایی، در اسفندماه ۱۳۰۴ در کرمانشاه در خاندانی وابسته به علم و روحانیت به دنیا آمد. پدر بزرگش میرزاعبدالله آقا تبریزی از نخبگان تبریز به شمار می رفت که در اواخر عمر برای نزدیک بودن به عتبات عالیات و امکان سفر بی دردسر، در کرمانشاه اقامت گزید و بدین ترتیب پدر شیخ مصطفی، جناب میرزاعبدالحسین قاضی زاده، تبریزی الاصل محسوب می شود که به گفته شیخ مصطفی، در سال ۱۳۱۹ در مبارزه با رضاخان، به شهادت رسید. مادرش صدیقه بیگم واحدی بدلا نیز از خاندانی روحانی بود و مادر او بانو فخرالشریعه فرزندانای چون شهید سیدعبدالحسین و شهید سیدمحمد واحدی را تربیت کرده بود و خاندان بدلا هم رجالی چون مرحوم آیت الله سیدحسین بدلا داشت که از اصحاب آیت الله بروجردی و از علمای معروف حوزه علمیه قم بود.

شیخ مصطفی در سال ۱۳۱۹ برای ادامه تحصیل به قم آمد و در حوزه علمیه به تحصیل پرداخت و سال بعد عازم نجف اشرف گردید و در «مدرسه سید» نجف، «هم بحث» سیدمجتبی میرلوحی (شهید نواب صفوی) بود و از محضر علما و مراجع بزرگ بهره مند شد. شیخ مصطفی تابستان ها به ایران می آمد و در سال ۱۳۲۷ که عازم مراجعت به نجف اشرف بود، در ایلام دستگیر و به عنوان «سرباز» به پادگان اعزام شد و پس از طی دوران سربازی، دیگر به نجف برنگشت و در ایران - تهران ماندگار شد و به کار فرهنگی - تبلیغی و مبارزه سیاسی مشغول شد و تا آخر عمر نیز در این راه علیرغم همه مشکلات مادی کمرشکن و طاقت فرسا و اتهامات و بی مهری ها پویا و کوشا، استوار ماند. و پس از پیروزی انقلاب هم، هرگز به دنبال پست و مقامی نبود... و سرانجام، شیخ مصطفی رهنما، در ۸۸ سالگی در ۷ مهرماه ۱۳۹۲، در تهران در گذشت و به رحمت حق پیوست و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

عاش و وحید و مات سعیدا. غفرالله لنا وله ول من سبقونا بالایمان

ختام مسک

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت روحانی مجاهد مرحوم حجت الاسلام آقای شیخ مصطفی رهنما (ره) را به بازماندگان و دوستان و همفکران ایشان تسلیت می گویم. تلاش خستگی ناپذیر این روحانی پارسا در مبارزه قلمی و فکری برای مسأله فلسطین که از جوانی تا کهنسالی و در بیش از نیم قرن ادامه داشت، «چهره ای نادر و تحسین برانگیز» از وی در ذهن همه کسانی که این عالم متواضع و پراسقامت را می شناختند، ترسیم می کرد.

از خداوند رحمت و علو درجات برای ایشان مسألت می کنم. سید علی خامنه ای / دهم مهر ماه/ ۱۳۹۲

فوری و شدید عاملان حریق سینمای آبادان، سپردن کارهای علمی و فنی به ایرانیان، اخراج آمریکایی ها و اسرائیلی ها. محاکمه متجاوزان به حقوق مردم. انحلال مجلسین و تجدید انتخابات آزاد. انحلال حزب رستائیز. تقلیل تسلیحات. قطع رابطه با اسرائیل و تحکیم روابط با کشورهای عرب و سایر کشورهای اسلامی. خروج از پیمان سنتو الحاق به کشورهای غیرمتعهده...»

این بیانیه که فهرست بخشی از محتوای آن در سند ساواک آمده، نشان دهنده اهداف والای شیخ مصطفی رهنما، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است و رهنما در طول زندگی پر حادثه خود، همواره در راه آن ها و آرمان های ملل مظلوم و استعمارشده می کوشید و «آنچه فعالیت ها و کوشش های وی را از دیگران ممتاز می ساخت، توجه اصلی او به مسئله فلسطین بود چیزی که او در طول دوران مبارزاتش هرگز از آن غفلت نکرد، تا آنجا که اگر انگیزه مبارزه او علیه شاه را نیز همکاری رژیم پهلوی با اسرائیل قلمداد کنیم، بیراهه نرفته ایم» و در همین راستا، پس از پیروزی انقلاب اسلامی او به تشکیل «جمعیت ایرانی تعاون با فلسطین» همت گماشت و بعد یکی از اعضای فعال انتفاضه فلسطین در ایران بود و هیچ جلسه یا اجتماع و کنفرانسی درباره فلسطین یا مسائل جهان اسلام در ایران تشکیل نمی شد، که شیخ مصطفی در صف اول آن اجتماع، حضور



کنفرانس بزرگداشت سید جمال الدین حسینی - تهران. از چپ: شیخ مصطفی رهنما، دکتر نجفقلی حبیبی (رئیس وقت دانشگاه علامه طباطبائی) روزه گارودی (مترجم) و سید هادی خسروشاهی

نداشته باشد و البته «چفیه» فلسطینی بر دوش!

آخرین دیدار

اشاره شد که شیخ در اغلب سمینارها و کنفرانس هایی که به مناسبت های مختلف در ایران تشکیل می شد، حضور می یافت و حتی اگر دعوت رسمی هم از او به عمل نمی آمد، باز می آمد و علیرغم برخوردهای گاهی تلخ، او نمی رنجید... روزی شیخ به من گفت: «خود را موظف می دانم که در این اجلاس ها شرکت کنم و اگر دوستان جدید مرا نمی شناسند و یا فراموشکار شده اند، ما هدف نیم قرنی خود را فراموش نمی کنیم.» ... حضور او در نمایشگاه عکس و کاریکاتور «ناجی العلی» کاریکاتوریست معروف فلسطینی که توسط موساد در لندن ترور شد و به شهادت رسید با همان «چفیه فلسطین» که اغلب بر دوش داشت، تا حضور در اجلاس بزرگداشت سیدجمال الدین حسینی و... نشان دهنده اهمیت و توجه او به این مسائل بود.

آخرین بار در کنفرانس وحدت اسلامی که مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی در سالن اجلاس سران برگزار کرد، او را دیدم. خیلی خسته و ناتوان به نظر می رسید. در پایان اجلاس که من با اربابه قدیمی خود، عازم خروج از محوطه اجلاس بودم، شیخ را دیدم که در انتظار مرکبی ایستاده است! جلوی او توقف کردم، خیلی خوشحال شد و گفت: «باز هم رفیقان قدیمی!» مقصدش خیابان وحدت اسلامی بود که با مقصد من فاصله زیادی داشت و در این شهر با ترافیک دیوانه مقهورم نبود که او را به مقصدش برسانم. در خیابان «یمن» به ایستگاه تاکسی های زرد رنگ رفتم و در مسیر مشکل خود را به ایشان گفتم. مثل همیشه خندید و گفت: «پس مرا در خیابان پائین پیاده کنید تا با ماشین های عبوری بروم.» خواهش کردم که با توجه به خستگی و دوری راه با تاکسی های خطی برود.



۱۳۵۸ - تهران: نمایشگاه عکس فلسطینی ها و مجلس بزرگداشت «ناجی العلی» کاریکاتوریست معروف فلسطینی که در لندن ترور شد. از راست: شیخ مصطفی رهنما، سید هادی خسروشاهی، نماینده لیبی، هانی الحسن (نخستین سفیر فلسطین در تهران) و گروهی از سفرای بلاد عربی و شخصیت های سیاسی ایران...

جمعیت مسلم آزاد سال ۱۳۳۰ شکل گرفت و به فعالیت آزادخواهانه در داخل و خارج کشور پرداخت. در جریان استقلال کشورهای اسلامی و همچنین ملی شدن ترعه سوئز این جمعیت طی بیانیه هایی به دفاع از آرمان های اسلامی و خواست های استقلال طلبانه مردم این کشورها پرداخت. هدف جمعیت مسلم آزاد ایجاد اتحاد مسلمین و مبارزه با استعمار، امپریالیسم و صهیونیسم است. شعار جمعیت «منابع کشورهای اسلامی برای مسلمین و مساعی مسلمین برای اسلام» است. جمعیت مسلم آزاد به سوسیالیسم اسلامی معتقد است و در تلاش یکپارچه کردن مسلمین جهان و جلوگیری از بازیچه قرار دادن دین مبین اسلام بوسیله استعمار و امپریالیسم است.

شیخ مصطفی رهنما طی اعلامیه ای، ۱۷ درخواست از دولت جدید کرده بود که بعضی از آن ها عبارت بود: احیای شعائر اسلامی، مجازات

(نامه های دکتر مصدق. محمد ترکمان، چاپ تهران، صفحه ۲۹۹ و ۳۳۰. کتاب سرگذشت فلسطین، همانطور که اشاره شد، تألیف اکرم زعیتور و ترجمه آیت الله هاشمی رفسنجانی است که پس از نشر آن، آقای هاشمی بازداشت و به شکنجه گاه رژیم رفتند و کتاب جمع آوری شد).

و البته همه می دانیم که آقای دکتر مصدق به هنگام جلوس در اریکه قدرت و سپس اداره حکومت از زیر پتو، هرگز با کل روحانیت خوش رفتار نبود و مانند بعضی از معاصرین!! خود را «دائم الحکم» می پنداشت و خواستار اختیارات تامه هم بود ولی پس از سقوط، حاضر می شود که با مرحوم شیخ مصطفی رهنما مکاتبه نماید و تازه می فهمد که اوضاع کواکب بر وفق مراد نبوده است. و بهر حال ما چون بر این باوریم که در نوشتن تاریخ نباید موضوع را از «وسطا» مطرح کنیم، دو نامه وی را در این یادنامه نقل کردیم...

فعالیت مجدد

... در اوائل سال ۱۳۵۷ شیخ مصطفی باز به میدان آمد و فعالیت خود را از سر گرفت. خبر منتشر شده در مورخ ۵۷/۶/۱۱ با تیتیر «ویژه» چنین بود: جمعیت سوسیالیست «مسلم آزاد» فعالیت خود را از سر گرفت:



چهره نادر و تحسین برانگیز «رهنما»

اندوهیادی از پیر مجاهد شیخ مصطفی رهنما

زندگی و زمانه
حجت الاسلام والمسلمین شیخ مصطفی رهنمایی معروف به «شیخ مصطفی رهنما» مبارز مشهور انقلابی و یار دیرین امام و نظام اسلامی و از پیشگامان تلاش برای وحدت مسلمین و از پیشگامان مبارزات آزادی بخش ملت های مسلمان منطقه، که فعالیت های بسیاری در دفاع از حقوق مردم مظلوم فلسطین داشت، ۷ مهر ماه ۱۳۹۲ در سن ۸۸ سالگی درگذشت. مصطفی رهنما در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در کرمانشاه متولد شد. وی از خاندانی روحانی و مبارز برخاسته و برادران شهید واحدی از «جمعیت فدائیان اسلام»، دایی های او بودند. شیخ مصطفی تحصیلات خود را در حوزه های علمیه قم، کربلا و نجف به پایان رساند. وی در نجف شاگرد بزرگوارانی چون مرحوم علامه شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء بوده است؛ کسی که در سال ۱۳۵۰ در کنگره جهانی اسلام در بیت المقدس گفت: «اختلاف و جدایی از خصلت های است که در درون ما ریشه دوانده و ما را بیچاره ساخته است. اختلاف اندیشه و آزادی فکر از ویژگی های انسان است. اما مصیبت این است که اختلاف نظر به دشمنی مگرایند. هر ملتی با سه چیز می تواند قیام کند: مردم توانا، اندیشه درست و کوشش دائم.»

شیخ مصطفی با آنکه در دوران پهلوی اول در سنین نوجوانی و جوانی به سر می برد، به واسطه مخالفت پدر بزرگش با حکومت رضاشاه با مفاسد و مظالم حکومت استبدادی آشنا گشت. در زمانه پادشاه سال های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ و شکل گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت، رهنما به یکی از بازیگران این عرصه مبدل شد و به اشتاگری برضد عوامل استعمار و استبداد پرداخت که در این راه متحمل زحمات و صدمات زیادی گردید. وی فعالیت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۲۲ آغاز و در سال ۱۳۲۹، مجله «حیات مسلمین» را منتشر نمود. وی مدتی با روزنامه و نشریات چون کیهان، اکونومیست، مهر ایران، ندای حق، طوفان شرق، اقدام، پرچم اسلام، این اسلام و روشنفکر، همکاری داشت. رهنما از همان اوائل به مسائل علم جدید و ارتباطش با دین علاقمند بود. اولین بار که سقنمای به فضا رفت او هم در این باره مطلبی نوشت که در روزنامه کیهان چاپ شد.

رهنما در دهه ۱۳۳۰، «جمعیت مسلم آزاد» را تأسیس کرد که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تعطیل شد؛ هرچند که در سال ۱۳۵۷ بار دیگر این

بیانیه پایانی دومین نشست لجنه المساعی الحمیده در استانبول

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا) از استانبول، در بیانیه ای که در آخرین روز نشست کمیته صلح اسلامی تدوین شد، آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمدلله والصلاه و السلام علی سیدنا محمد و علی آله الطیبین الطاهرین و صحبه الغر الميامین و من تبعهم بإحسان الی یوم الدین در بیست و ششمین کنفرانس وحدت اسلامی مقرر شد که کمیته ای متشکل از علما و اندیشمندان جهان اسلام تشکیل شود و این کمیته اولین نشست خود را در اردیبهشت ماه ۹۲ در بیروت برگزار کرد و دومین نشست آن در تاریخ ۷ آذر جهت بررسی بحران های جهان اسلام در استانبول ترکیه برگزار شد و در این نشست پیشنهاد های زیر ارائه شد:

۱ - دعوت علما به تشویق روح گفت و گوی سازنده بین پیروان مذاهب اسلامی و تلاش در جهت وحدت اسلامی

۲ - حمایت از تلاش های دلسوزانه جهت تحقیق تقریب به عنوان مقدمه وحدت اسلامی

۳ - محکوم کردن همه تحرکات و فتاوای تکفیری که باعث تمیزق جهان اسلام می شود و دعوت از همه علما جهت ایستادگی در برابر آن

۴- لازم است اقداماتی در جهت توقف فعالیت کانال هایی که اقدام به ترویج تفرقه بین مسلمین می کنند، انجام گیرد

۵ - تأکید کمیته بر ضرورت حل صلح آمیز بحران سوریه که تضمین کننده حقوق ملت سوریه بدون دخالت نیروهای اجنبی باشد

۶ - کمیته از همه طرف های موثر در کشور مصر می خواهد در جهت حل بحران های موجود و رو در رو به گفت و گوهای جدی و کامل که دستاوردهای انقلاب مصر و آرزوهای ملت مصر را بر آورده کند، وارد شوند تا موقعیت اصلی خود در جهان اسلام را باز یابد

۷- همه را از فتنه بر انگیزی مذهبی در عراق بر حذر می دارد و از کمیته می خواهد در جهت خاموش کردن آتش فتنه اقدام سریع بکند

۸ - کمیته بر ضرورت تلاش جهت رساندن ملت مظلوم بحرین به حقوق مشروع خود تأکید می کند

۹ - کمیته بر ضرورت ایستادگی در برابر قتل و کشتار مسلمانان در میانمار تأکید می کند

۱۰ - قضیه فلسطین قضیه اصلی مسلمانان است و همه نیروها باید جهت هدف اصلی که بازگشت حقوق فلسطینیان و بیرون راندن اسرائیل و بازگرداندن اراضی اشغالی به سرزمین های اسلامی است، تلاش کنند

۱۱- تأکید کمیته بر ضرورت توجه مسلمانان به قضیه یهودی سازی سرزمین فلسطین به ویژه قدس شریف و مسجد الاقصی و تأکید بر اینکه قدس شریف پایتخت ابدی فلسطین از بحر تا نهر است.

۱۲- کمیته کلیه فعالیت های تفرقه انگیز و تکفیری را محکوم می کند

۱۳- تشکیل کمیته های وابسته پیرامون مهمترین موضوعات جهان اسلام

۱۴- تشکر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و به ویژه دبیر کل محترم از برگزاری این نشست که نتایج مثبتی را در پی داشته است، همچنین از استاد

اوغوز هان اصیل ترک به خاطر حسن استقبال و برگزاری این نشست تشکر دارد.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

آیت الله اراکی:

علمای مسلمان اجازه ندهند اجنبی ها برای حل مشکلات جهان اسلام تصمیم گیری کنند

وی افزود: هدف از برگزاری دومین نشست کمیته صلح اسلامی در تاریخ کنونی در استانبول ترکیه ارائه راه حل ها و پیشنهادات برای حل مشکلات جهان اسلام و به ویژه مناطق بحران زده نظیر مصر، عراق، سوریه و ... است.

آیت الله اراکی افزود: همچنین این کمیته در سایر کشور های اسلامی نشست هایی را برگزار خواهد کرد که امیدوار هستیم این نشست ها برای برقراری صلح در جهان اسلام مفید و سودمند باشد.

همچنین در این نشست خبری، اوغوزهان اصیل ترک، رئیس حزب سعادت ترکیه اظهار داشت: همه می دانند مسلمانان در سراسر جهان زندگی می کنند و می توانند یک امت واحد را تشکیل دهند بنابراین لازم است که همه ما زیر لوای یک پرچم واحد با هم متحد شویم.

ایمان دارند. اختلاف بین مسلمین از جمله اهداف و تلاش های رژیم صهیونیستی و استکبار جهانی است. وی افزود: جنگ در افغانستان، جنگ در عراق، کشتار در پاکستان، جنگ خونین در سوریه، تحولات مصر و لیبی و آنچه در بحرین رخ می دهد، همه اینها از فتنه انگیزی های رژیم صهیونیستی برای ایجاد اختلاف در جهان اسلام و مشغول کردن مسلمین به خودشان است. دبیر کل مجمع جهانی تقریب تأکید کرد: تأسف بار این است که مسلمین منتظر هستند که کسی از خارج از جهان اسلام بیاید و بین آنها صلح و آشتی برقرار کند. من در اینجا از علمای مسلمان دعوت می کنم در کمیته های مختلف برای حل مشکلات جهان اسلام شرکت کنند و اجازه ندهند اجنبی ها برای حل مشکلات ما تصمیم گیری و دخالت کنند.

معاون امور فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

کنفرانس وحدت یکی از راه های ایجاد تقارب بین شیعه و سنی است

که حول مباحثی بحث می شود که دستاورد آن رسیدن به مفاهیم مشترک درباره این موضوع است؛ در سال گذشته موضوع کنفرانس وحدت، پیامبر اعظم(ص) بود. می دانید که سال گذشته در شرایطی قرار داشتیم که دشمن اهانت به ساحت مقدس پیامبر اعظم(ص) را در دستور کار داشت؛ در این کنفرانس موضوع پیامبر گرامی اسلام(ص) مطرح گردید که اندیشمندان از اقصای نقاط جهان اسلام شرکت کردند و در این باره بحث کردند و توانستند به مواضعی در دفاع از پیامبر گرامی اسلام(ص) و نشر ویژگی های آن حضرت دست یابند؛ موضوع کنفرانس امسال نیز حول محور قرآن است که مباحث بسیار مهمی می تواند در این محور مورد گفت و گو و نتیجه گیری قرار گیرد.

معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ادامه به برنامه های این معاونت در بیست و هفتمین کنفرانس وحدت اسلامی اشاره کرد و گفت: همچون سال های گذشته برنامه های متعددی را در کنفرانس در نظر داریم که از جمله این برنامه ها مسئله انتشار کتب متناسب با موضوع کنفرانس و ایجاد موج در این راستا در حین برگزاری جشن های میلاد النبی(ص) که در حاشیه کنفرانس در تهران برگزار می شود، است. در کنفرانس امسال هم معرفی کتاب های وحدت گرا، تشکیل نمایشگاه کتاب در حاشیه کنفرانس و بسیاری از فعالیت های فرهنگی دیگر را معاونت فرهنگی انجام خواهد داد.

سنی در احکام فقهی، اخلاقیات و در کل مبانی فکری اسلامی تا ۹۰ درصد می باشد که این به صورت علمی در پژوهش های ما ثابت شده و این کتابها در دسترس همه اندیشمندان مسلمان قرار گرفته، در کتابخانه ها وجود دارد و در محافل علمی مورد توجه می باشد بنابراین بدون شک مجمع تقریب توانسته در زمینه نزدیک کردن دیدگاه ها بسیار موثر باشد.

حجت الاسلام و المسلمین اوحدی با اشاره به نتایج مثبت برگزاری کنفرانس وحدت اسلامی در ایجاد همگرایی بین مسلمانان و زدودن اختلافات مذهبی تصریح نمود: مسلما کنفرانس وحدت هم یکی از راه های ایجاد تقارب بین شیعه و سنی است چون در این کنفرانس شخصیت های اثر گذار جهان اسلام دعوت می شوند و حول محور چالش هایی که فرا روی جهان اسلام است، بحث و تبادل نظر می کنند، به نقاط مشترک می رسند و دستاورد خود را از این کنفرانس به کشور هایشان می برند بنابراین هر کسی در حوزه نفوذ خودش می تواند تأثیر گذار باشد.

وی افزود: در ۲۶ کنفرانسی که تاکنون برگزار شده است، می بینید که هر کدام حول یک محور مهم از محور هایی می باشد که به عنوان چالش در جهان اسلام مطرح می شود. حول آن چالش بحث می شود و یا این



حجت الاسلام و المسلمین علی اصغر اوحدی در گفت و گو با خبرنگار تقریب، پیرامون مفهوم تقریب و راه های ایجاد همگرایی و انسجام پیروان مذاهب اسلامی اظهار داشت: منظور از تقریب، نزدیک کردن مواضع و دیدگاه های فرق اسلامی به ویژه بین شیعه و سنی است چون دوری از یکدیگر و عدم آگاهی از مواضع فکری و مذهبی همدیگر موجب پیامدهای ناگواری خواهد بود.

وی یکی از دلایل تفرقه در بین امت اسلامی را جهل نسبت به یکدیگر دانست و گفت: هدف تقریب در نهایت ایجاد دوستی، الفت و محبت بین مسلمانان است.

معاون فرهنگی مجمع تقریب با اشاره به فعالیت های این مجمع در راستای ایجاد وحدت بین مسلمانان، خاطرنشان کرد: مجمع تقریب گام های بسیار ارزشمندی را در این مسیر برداشته است؛ چه از نظر فعالیت های علمی و چه از نظر تشکیل نشست های گفت و گو بین شیعه و سنی و هم از طریق دعوت از هیئت ها به ایران و شرکت در اجتماعات اهل سنت و محافل علمی آنان توانسته است اقدامات موثری را در نزدیک کردن دیدگاه ها و مواضع بین مسلمانان برآورد.

وی افزود: در مجموعه کتاب های منتشر شده از سوی مجمع توانستیم ثابت کنیم که نقاط مشترک شیعه و

حجت الاسلام و المسلمین اختری:

امت اسلامی روزهای سخت و تلخی را سپری می کنند

با انتشار کاریکاتور و یک روز هم با اشغالگری و کشتار مسلمانان در جهان دشمنی خود را با اسلام ابراز می دارند. دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) افزود: دوم، شخصیت های عالم نمایی هستند که اینها عالم نیستند اینها شیطان صفت هستند که در قالب عالم و مفتی ظاهر می شوند و فتوا به کشتار مردم می دهند اینها به چیزی فتوا می دهند که در اسلام وجود ندارد و خدا و اسلام از آن بری هستند بطوریکه یک انسان به خود اجازه می دهد که فتوا دهد تا انسانی دیگر کشته شود .

وی در پایان تأکید کرد: تشکیل کمیته صلح اسلامی یکی از راه های مقابله با حرکت های تفرقه انداز و توطئه بر انگیز در سطح جهان اسلام است.

حجت الاسلام والمسلمین اختری افزود: علما باید مسئولیت خطیر خود را درک کنند باید از اسلام و مسلمانان دفاع کنند و وقتی مشکلی در قلعه اسلامی به وجود می آید مسئولیتش بر عهده نگهبانان این مجموعه است و پاسداران و حامیان جامعه اسلامی علما هستند لذا مسئولیت علمی دینی در شرایط فعلی از همه افراد و حتی سیاستمداران بیشتر است.

وی افزود: برای اینکه بتوانیم این مشکلات را حل کنیم در وهله اول باید به ریشه این مشکلات بپردازیم ریشه این مشکلات و اختلافات چند چیز است اول، توطئه استعمارگران و دشمنان اسلام که در رأس آنها امریکا و رژیم صهیونیستی قرار دارند که علنا با اسلام می جنگند یک روز با نوشتن کتاب، یک روز با ساختن فیلم، یک روز

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن اختری دبیر کل مجمع جهای هل بیت(ع) طی سخنانی در دومین نشست کمیته صلح اسلامی که در استانبول ترکیه برگزار شد اظهار داشت: ابتدا خداوند را شکر می کنیم که این توفیق را ما داد تا در کشور های مختلف برای پایان دادن به مشکلات و سختی هایی که به امت اسلامی می گذرد قدم هایی بردارم. وی افزود: ما شاهد هستیم که امت اسلامی در گوشه و کنار جهان بویژه در منطقه خاورمیانه روز های سخت و تلخی را سپری می کنند مسلمانان در برخی نقاط به جان هم افتاده اند و خون بی گناهان بر زمین ریخته می شود وظیفه علمای دین است که این مسائل را پیگیری کنند و از ریختن خون های بیشتر جلوگیری نمایند.

بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت شهادت حجت الاسلام انصاری

پیروان صالح ایشان جای دهد. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به جهان اسلام به ویژه دو ملت ایران و لبنان تسلیت می گوید و یقین دارد که اینگونه تجاوزات بی نتیجه، تنها نشان دهنده شکست رژیم صهیونیستی و هم پیمانان تکفیری آنان و نشانه روشنی بر فروپاشی اراده آنان و شکست بزرگشان در میدان مقابله با مقاومت پیروز اسلامی است. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی این مصیبت را به مردم لبنان و ایران تسلیت می گوید و از خداوند متعال برای خانواده شهدا صبر و اجر عظیم و برای مجروحان این حادثه سلامتی عاجل مسئلت می نماید.

جمهوری اسلامی ایران در بیروت نشانه رفت تا ایشان را به قافله شهدای حسینی که ایا داشتند زندگی دنیوی را بدون عزت و پایداری و پیروزی ترک کنند، پیوند دهد. خداوند متعال شیخ انصاری و شهدای انفجار بیروت و همچنین کسانی که پیش از این در قافله شهدا قرار گرفتند، به ویژه شهدای سرزمین شام از جمله شیخ «راغب حرب»، «سید عباس موسوی»، «علامه البوطی» و «علامه «سعد الدین غیه» رهبران اصلاح، جهاد، تقوا، تقریب و وحدت اسلامی را رحمت فرماید و آنان را در بهشت خود در کنار رسول گرامی اسلام، حضرت محمد(ص) و اهل بیت(ع) و

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی بیانیه ای شهادت حجت الاسلام ابراهیم انصاری، راینز فرهنگی ایران در لبنان را تسلیت گفت.

متن بیانیه مجمع تقریب به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

بار دیگر دست جنایتکار دشمنان به سمت گروه دیگری از انسان های پاک و در رأس آنان علامه پرهیزگار و مجاهد، شیخ ابراهیم انصاری، راینز فرهنگی

در خارج از ایران، فعالیت شهرداری‌ها تنها به جنبه‌های عمرانی خلاصه نمی‌شود و شامل طیف گسترده‌ای است که در کشور ما سابقه ندارد. معلمی به سابقه واگذاری کتابخانه‌هایی که در شهرهای دیگر مانند شیراز به نهاد کتابخانه‌های کل کشور واگذار شده اشاره می‌کند و می‌گوید: وضعیت مابقی شهرداری‌ها همانند شهر تهران نیست و واگذاری کتابخانه‌ها به شهرداری‌های بزرگ هشت شهر ایران منطقی نبوده و دارای اشکالاتی است. معلمی با این مقدمه در پاسخ به ایراداتی که نسبت به این مجموعه عنوان می‌شود، اظهار می‌دارد: قاعدتاً برای ارزیابی عملکرد هر نهاد باید به آمارهای موجود استناد کرد، آمارهایی که نشان می‌دهد به رغم همه اعتراضات، تعداد کتابخانه‌های کشور از شش سال پیش تاکنون افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است به‌طوری که در طول چند سال اخیر، کتابخانه‌های کشور از یک هزار و ۵۰۰ باب به سه هزار و ۷۰۰ کتابخانه رسیده است.

وی اضافه می‌کند: از سوی دیگر در حوزه نشر کتاب در هشت سال گذشته تنها قادر به خرید ۵۰۰ میلیون تومان کتاب بودیم که این آمار در سال گذشته به ۲۲ میلیارد تومان افزایش یافته است و پیش‌بینی می‌کنیم سال آینده نیز بتوانیم تا ۲۵ میلیارد تومان به خرید کتاب اختصاص دهیم. جذب پنج هزار کتابدار با تحصیلات مرتبط از طریق آزمون و با تحصیلات مرتبط از دیگر فعالیت‌هایی است که معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به آن می‌پردازد و یادآور می‌شود: در گذشته تنها بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ نیرو در طول یک سال استخدام می‌شدند اما سال گذشته ۸۰۰ نیرو جذب این نهاد شده‌اند.

معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور درباره انتقاداتی که به ساختار این نهاد وارد است، می‌گوید: این نهاد دارای ۴ معاونت، اداری مالی، استانی و مجلسی، برنامه‌ریزی و در نهایت معاونت توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی است و به شکل هیأت امنایی و زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره می‌شود و در استان‌های دیگر دارای یک اداره کل است همانند وزارت ارشاد.

معلمی اضافه می‌کند: تخصصی بودن فعالیت در زمینه کتاب قطعاً چنین تشکیلاتی را هم طلب می‌کند. اضافه بر آن به نظر نمی‌رسد جمعیت ۲۰۰ نفری ستاد در شهر تهران بیشتر از آنچه که شهرداری‌ها در شهرهای دیگر دارند، باشد.

اظهارات معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در حالی بیان می‌شود که مشاور فرهنگی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی، شهریار زرنشاس، به عنوان مدافع عملکرد نهاد کتابخانه‌های عمومی در مناظره‌ای تلویزیونی در پاسخ به دکتر فربرز خسروی، عضو هیأت مدیره انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی و دکتر ابراهیم افشار زنجانی به عنوان منتقد گفته بود: رشد شاخص مطالعه در کشور نشان از موفقیت برنامه‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی داشته است. وی همچنین در پاسخ به ایرادات دکتر افشار مینی بر این که نهاد کتابخانه‌های عمومی در حکم یک پادگان نظامی به عملکرد همه کتابخانه‌های زیر نظر خود نظارت دارد و با طرح مسابقات کتابخوانی، مخاطبان را به سمت و سوی مشخص و از پیش تعیین شده می‌کشاند نیز اظهار کرده بود: اولاً تعبیر پادگان در شأن نهاد کتابخانه‌ها و فعالیت‌های آن نیست و این یک افترا به نهاد است. در ثانی در هر ساختار فرهنگی مانند ساختاری دانشگاهی که خود شما در آن حضور دارید و تدریس می‌کنید، یک نظارت و سیاستگذاری از بالا وجود دارد. دیگر این که مگر شما در سیستم خود روش تنبیه و تشویق را اعمال نمی‌کنید؟ این در همه جای دنیا روشی معمول است. و اما این که ما مخاطبانمان را با سمت و سویی هدفمند دعوت به مطالعه می‌کنیم، اساساً بر مبنای همان سند مطالعه مفیدی است که شما آن را مورد تأیید و تحسین قرار دادید.

بررسی فعالیت نهاد کتابخانه‌های عمومی

نبض فرهنگ کتابخوانی در دست چه کسانی است؟

اصلاح برخی مشکلات کتابداران آغاز کرده است مانند در نظر گرفتن کارانه برای کتابداران که سعی دارد بخشی از کمبودهای موجود را به لحاظ تدوین نشدن جایگاه قانونی کتابداران در چارت سازمانی مشخص جبران کند یا فعالیت‌هایی برای بهتر شدن وضعیت کتابخانه‌ها و خرید کتابهایی که اعضا سفارش می‌دهند و در کتابخانه موجود نیست همانند برخی کتابخانه‌های مطرح جهان کاری که در کشورهای جهان سوم متداول نیست.

این کتابدار که نخواست نامش درج شود، می‌گوید: با وجود همه این فعالیت‌های مثبت، وجود برخی مشکلات مانند ساعت‌های نامناسبی که برای هر شیفت کاری در نظر گرفته شده است یا کمبود نیروی انسانی در هر شیفت و بعد مسافتی که برای رسیدن به محل کار در شهر تهران وجود دارد برای کتابداران که اغلب خانم هستند موجب بروز نابسامانی‌هایی در این زمینه شده است.

خرید سلیقه‌ای و گزینشی کتاب از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، انتقاد دیگری است که این کتابدار با تأیید آن می‌گوید: درحال حاضر کتاب رمان به ویژه رمان نویسندگان ایرانی خریداری نمی‌شود مگر از عده‌ای اندک که اعضا نیز اقبال مناسبی به آن نشان نمی‌دهند. و رمانهای خارجی قدیمی نیز تنها با ترجمه‌های جدید وارد کتابخانه‌ها می‌شوند که آن‌ها نیز عموماً به دلیل قدیمی بودن طرفدار ندارند.

آیا نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور توانسته قدمی در جهت ارتقای فرهنگ کتابخوانی بردارد یا در نهایت همانی شده که حافظ می‌فرماید: تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز؟ امیر حسین‌زادگان مدیر انتشارات ققنوس در این زمینه می‌گوید: در حال حاضر اعضای کتابخانه‌ها و ناشران به عنوان مخاطبان نهاد کتابخانه‌های عمومی شناخته می‌شوند، اما سیاست نهاد در سفارش کتابهایی که بعضاً تاریخ چاپ آن‌ها مربوط به سه سال قبل می‌شود و درخواستش از ناشران برای ارائه تخفیف بیش از ۴۵ درصد و همچنین عدم اقبال ناشران برای فروش کتاب با این میزان تخفیف موجب شده تا کتب خریداری شده توسط نهاد، عموماً به روز نباشند و اعضای کتابخانه‌ها نیز از این بابت همواره در مضیقه قرار بگیرند.

این ناشر ادامه می‌دهد: حمایت از ناشران به عنوان بخشی از وظایف نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نظر گرفته شده است اما سیاست این نهاد موجب شده تا ناشران کمتر حاضر به همکاری با آن شوند. ناشر انتشارات آمو، یوسف علیخانی نیز در این باره می‌گوید: نهاد در طول سالهای اخیر بسیار گزینشی عمل

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا:

علامه جعفری علاوه بر علم ظاهر از علم نافع نیز برخوردار بود

ادامه از صفحه اول

وی همچنین با اشاره به دیگر آثار علامه جعفری تصریح کرد: زمانی که شرح علامه بر مثنوی را مطالعه کردم دیدم که علامه جعفری می‌خواست مثنوی را برای دانشگاهیان، حوزویان و مردمان بافضلیت بنویسد و به بیان دیگر می‌خواست مثنوی را به جامعه بیاورد.

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا در این راستا تصریح کرد: با این وجود و در حالی که علامه جعفری شرح کامل و عمیقی بر مثنوی داشت اما با این وصف بر برخی ابیات شرحی نوشته بود، در این زمینه یاد می‌آید زمانی در مدرسه ای که ایشان سخنرانی داشتند و من جزو اولیای اطفال آن مدرسه بودم به علامه رسیدم و به او گفتم که چرا این بیت «چون تجلی کرد اوصاف قدیم/ وصف حادث را بسوزاند گلیم» شرح نکرده اید که علامه عنوان کردند که شب تماس بگیرم و شماره تماسی به من دادند اما من گفتم اگر الان نگویید که شاید آن زمان هم ممکن نشود.

این عالم دینی بیان کرد: این مسائل گسترده‌ای عمیقی دارند و زمان نیست که به شکلی مبسوط درباره آنها سخن بگویم اما همین قدر بگویم که عدم شرح بر این ابیات بی دلیل نبوده است و قطعاً ملاحظاتی در ذهن

کرد و بودجه‌ای را که می‌بایست بین همه ناشران تقسیم می‌کرد براساس اعمال سلیقه شخصی برخی از آقایان تنها به تعداد محدودی از انتشاراتی‌ها اختصاص داده و حتی از خرید کتابهایی که از سوی وزارت ارشاد مجوز دریافت کرده بودند نیز خودداری کرده است. بلوکه شدن کتاب‌های رمان و داستان که عموماً مورد علاقه مردم هستند در پیشخوان کتابخانه‌ها و جمع‌آوری آن‌ها از مخازن کتابخانه‌های عمومی هم از دیگر ایراداتی است که این ناشر به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: نهاد کتابخانه‌های عمومی در سه سال اخیر با رویکردی متفاوت و بسیار گزینشی دست به این اقدام زده است تا از این طریق کتابهای مورد علاقه مردم را که آمار سرانه مطالعه را نیز افزایش می‌داد از دسترس مردم خارج و کتابهای سفارشی را جایگزین آن‌ها کند.

علیخانی در بخش دیگری از گفته‌هایش به اختصاص بودجه برای انتشار کتابهای ۱۵۰ هزار تیراژی که با عنوان قطع مترویی به چاپ می‌رسند اشاره می‌کند و می‌گوید: این کتاب‌ها از فرط بی‌علاقگی مردم به موضوعاتشان در نمایشگاه‌ها زیر دست و پا له می‌شوند و از بین می‌روند بدون آن که ثمری داشته باشند، در حالی که نهاد می‌توانست با بودجه اختصاص یافته به این طرح‌ها و خرید از ناشران خصوصی منشأ تحولات مثبتی در حوزه نشر باشد اما در حال حاضر عملکرد نهاد و مشاوران دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی این چنین به نظر نمی‌رسد.

این ناشر ادامه می‌دهد: درحال حاضر، نهاد جا پای ناشران نهاده و با ورود به عرصه نشر و چاپ کتاب‌های دیکته‌ای که به نویسندگان سفارش می‌دهد خود موجب تضعیف کتاب و فرهنگ کتابخوانی شده است.

انتقاداتی که معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، مجدالدین معلمی با تأیید آن به ایران تأکید می‌کند: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور مجموعه‌ای تخصصی محسوب می‌شود. او با تأیید این که نهاد کتابخانه‌های عمومی با اعمال سیاست خاصی کتاب‌های مورد نظر خود را تهیه می‌کند، اظهار می‌دارد: عموماً کتاب‌هایی که در سه سال گذشته به چاپ رسیده‌اند از سوی نهاد خریداری می‌شوند و این سیاست عیناً به درخواست خود ناشران و نویسندگان برای از بین نرفتن حقوق مؤلف و ناشر اتخاذ شده است؛ در واقع این مجموعه خریدی به نام خرید کتاب روز ندارد.

معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با اشاره به این که در کشور ما چیزی حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار کتاب در طول یک سال منتشر می‌شود، اضافه می‌کند: با این حجم از انتشار قطعاً نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قادر نخواهد بود همه کتاب‌های منتشر شده را تهیه کند، به همین منظور ۲۷ کارگروه که باحضور ۵ تا ۳ استاد تشکیل شده در ارزیابی و گزینش کتاب‌ها به مجموعه کمک می‌کنند.

وی ادامه می‌دهد: هیچ گونه محدودیتی برای تهیه کتاب‌ها وجود ندارد مگر تعداد اندکی کتاب که درباره عرفان‌های نوپدید و کاذب بوده است.

منتقدان نهاد کتابخانه‌های عمومی دربخش دیگری از گفته‌هایشان برپای مسابقات کتابخوانی که به شکل منظم و هفتگی برپا می‌شود را نشانه می‌گیرند و کتب آن را گزینشی و با در نظر گرفتن جریان‌های خاص قلمداد می‌کنند؛ گفته‌هایی که بخشی از آن از سوی معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تأیید می‌شود. او در ادامه اظهار می‌دارد: ماهانه ۳۰ مسابقه از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی به شکل منظم و هفتگی برگزار می‌شود و این طبیعی است که نهاد با دنبال کردن هدفی خاص بخواهد کتابخوانان را به سمت مطالعه کتب مفید سوق دهد.

معلمی در بخش دیگری از این گفت‌وگو، واگذاری کتابخانه‌های نهاد به شهرداری‌های بزرگ کشور را طرحی غیر جامع می‌داند که نیازمند مطالعه و بررسی بیشتری است. او توضیح می‌دهد: کسانی که اصرار بر اجرای شدن این طرح دارند به روال اداره کتابخانه‌ها در خارج از مرزهای ایران زمین استدلال می‌کنند که درنگاه نخست کاملاً منطقی است اما طراحان این ایده از یاد برده‌اند که

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفائیة) / نبش ممتاز

تلفکس: ۱۴۲۳ ۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

مجموعه سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شیخ نعیم قاسم:

شعار «مرگ بر آمریکا»

ادامه می‌یابد



حجت الاسلام والمسلمین

شیخ نعیم قاسم، معاون

دبیرکل حزب الله لبنان در

گفت‌وگو با شبکه المنار،

توافق هسته ای ایران با

کشورهای غربی را پیروزی

بزرگ برای مسلمانان و

آزادگان جهان توصیف کرد و گفت: ایران توانست

پس از ۱۵ سال فشار و تحریم، کشورهای غربی را

به پذیرش حق هسته ای خود وادارد. این دستاورد در

پرتو مقاومت ملت ایران حاصل شد.

وی افزود: کشورهایی که مصالحان با بیگانگان

درهم آمیخته است از این توافق ضربه خورده اند.

خشم و غضب مقامات صهیونیستی بهترین دلیل

برای اثبات ارزش این توافق به شمار می آید. این

توافق سبب شد تا ایران به باشگاه هسته ای جهان

پیوندد.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ نعیم قاسم

تصریح کرد: آمریکا که در همه توطئه ها علیه ایران

شکست خورده است، مجبور شد تا حق هسته ای

ایران را به رسمیت بشناسد. این توافق نمی تواند

مشکلات میان ایران و آمریکا را حل و فصل کند و

شعار «مرگ بر آمریکا» همچنان باقی خواهد ماند.

معاون دبیرکل حزب الله لبنان توافق ایران و

غرب را تنها در پرونده هسته ای عنوان کرد و اظهار

داشت: آمریکا با این توافق می خواست به سایر

پرونده های منطقه که ایران بر آنها تاثیر دارد نفوذ

کند، ولی سخنان امام خامنه ای و تأکید ایشان بر

انحصار مذاکرات در پرونده هسته ای سبب شد تا

هیچ راهی برای کوتاه آمدن از مسأله فلسطین وجود

نداشته باشد.

وی با اشاره به اینکه ایران به هیچ وجه از حمایت

مقاومت اسلامی و ایستادگی در کنار سوریه عقب

نشینی نمی کند، ادامه داد: اسرائیل به هیچ وجه

حاضر نیست چیزی به فلسطینیان بدهد و معتقد

است که جامعه بین المللی این حق را به این رژیم

داده است که هر بلایی می خواهد می تواند سر

فلسطین بیاورد.

شیخ نعیم قاسم مقاومت مسلحانه را تنها راه

ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی توصیف کرد

و خاطر نشان ساخت: حماس در رأس مقاومت

اسلامی فلسطین قرار دارد. گرچه حزب الله و

حماس درباره سوریه در جزئیات با هم اختلاف

نظر دارند، ولی روابط دو جنبش به صورت دوستانه

ادامه خواهد داشت.معاون دبیرکل حزب الله بر ادامه

حضور نیروهای این حزب در سوریه تأکید کرد و

گفت: حزب الله اطمینان دارد که دشمنان در سوریه

تنها مقاومت را هدف قرار داده اند. از دیگران می

خواهیم تحت تاثیر تعصب های بیجا قرار نگیرند و

به این مسأله فکر کنند که چه کسانی در گذشته و

حال از فلسطین حمایت می کنند و بداندن کسانی

که در برابر فلسطین قرار داشتند هم اکنون در برابر

سوریه قرار گرفته اند.

آدرس نادرست

و حامی مقاومت به‌عنوان نیروی منسجم در مقابل رژیم صهیونیستی، حتماً برای برخی دولت‌های مرتجع منطقه، قابل تحمل نیست. در مورد سوریه نیز موضع ایران ثابت و قابل دفاع است. واقعیاتی مانند حمله به سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، تغییری در این سیاست ایجاد نمی‌کند.

گروه‌های تکفیری و حامیان آنها حتماً می‌دانند که توان آنها در انجام حملات تروریستی تا چه اندازه محدود و ناچیز است. تنها تاسف این حادثه، از دست دادن عده ای بی گناه از مردم لبنان و چند نفر از همکاران در حفاظت سفارت و همکار و برادر عزیز و ارجمند جناب حجت الاسلام شیخ ابراهیم انصاری است.

جناح اسرائیل، عربستان، قطر و برخی کشورهای غربی بهتر است واقعیات منطقه را درک کرده و بیش از این، نفرت مردم ایران از خود را افزایش ندهند. این وقایع بیش از پیش نشان می‌دهد که اسرائیل و برخی کشورهای دیگر، فقط زبان زور و ترور را می‌فهمند و تنها با این زبان است که می‌توان با آنها سخن گفت!

سرمقاله روزنامه شرق مورخ ۹۲/۸/۲۹

هستند، در پس این ماجرا قرار دارند و این نام، آدرسی نادرست است.

البته تلاش وافر این کشورها علیه ایران که در ماه‌های اخیر تشدید شده است، از آغاز سقوط رژیم‌های دیکتاتوری عربی، وارد مرحله تازه‌ای شد و این‌روزها که ایران، در حال تثبیت موقعیت خود در مذاکرات بین‌المللی است، نگرانی آنها به شکل فزاینده‌ای افزایش یافته است. در این میان این تحول را نمی‌توان بی‌ارتباط با وقایع سوریه دانست.

یکی از کشورهای عربی به صراحت از ایالات متحده خواسته تا به سوریه حمله کند و همه هزینه آن را نیز برعهده گرفته است. در شرایطی که تحولات سوریه به هیچ عنوان به سود تامین‌کنندگان مالی و آمران گروه‌های سلفی - تکفیری در سوریه نیست، مواضع روز عاشورای سیدحسن نصرالله و مشخص‌بودن سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خاورمیانه و به‌ویژه لبنان و سوریه، انگیزه برای انجام این حرکت تروریستی بی‌حاصل را ایجاد کرده است.

سیاست خارجی ایران به‌عنوان پشتیبان یکپارچگی لبنان

ادامه از صفحه اول

می‌توانیم شیوه‌های مشترک بیشتری بین این دو رژیم برای سرکوب مردم را نام ببریم؛ به طور مثال، جدا کردن جوامع مظلوم و محروم کردن آنان از بسیاری چیزها. در غزه و کرانه باختری، مردم از کشاورزی، ماهیگیری و دیگر مشاغل محروم هستند؛ محدودیت برق و آب وجود دارد و مردم ناچار هستند در کشور خودشان همانند تبعیدیان زندگی کنند.

در بحرین، محروم کردن نظام‌مند جوامع شیعه نیز شایع است. پروژه‌های ساخت و ساز و آبادسازی برای زرق و برق دادن به واحدهای مسکونی غیرقانونی که سود آن مستقیماً به رژیم آل خلیفه می‌رسد، سبب شده است کسب و کار از طریق ماهیگیری و کشاورزی از بین برود؛ همین امر سبب شده است که مردم فلسطین به حاشیه رانده و با فقر و فلاکت دست به گریبان شوند. در نهایت، هدف این رژیم‌ها تحقیر کردن، تضعیف روحیه کردن و تصرف خانه و کاشانه این مردم است. و راهی که رژیم اسرائیل و بحرین برای سرکوب مردم برگزیده‌اند، قویا حاکی از آن است که یک همکاری راهبردی بین مستبدان رژیم صهیونیستی در تل‌آویو و منامه و همچنین ریاض، دوحه و ابوظبی وجود دارد.

چنین نتیجه‌ای از این حقیقت حاصل می‌شود که سازمان‌های جاسوسی این دو رژیم به طور منظم جلسات مخفیانه‌ی مشترک برگزار می‌کنند. گفته می‌شود شاهزاده بندر بن سلطان، رئیس سازمان جاسوسی عربستان سعودی با تامیر پارذو، رئیس موساد مناسباتی دارد. بر پایه گزارش‌ها، دیدار اخیر بین این دو اوایل ماه جاری در شهر بندری عقبه واقع در اردن

برگزار شد.

ماه گذشته، خبرگزاری المنار لبنان سخنان یکی از شبکه‌های اسرائیلی درباره جلسه سران اطلاعاتی یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل در تل‌آویو را نقل کرد. «شاهزاده بندر بن سلطان، رئیس سازمان جاسوسی عربستان سعودی، شیخ هزاع بن زاید آل نهیان، مشاور امنیت ملی و نایب رئیس شورای اجرایی در ابوظبی به اضافه ژنرال عادل بن خلیفه آل فاضل، رئیس سازمان اطلاعات بحرین که یکی از افسران اطلاعاتی خلیج فارس است که با موساد روابط بسیار نزدیکی دارد» در این جلسه حضور داشتند.

افزون بر این، مایکل اوربن، سفیر پیشین اسرائیل در امریکا اخیراً در مصاحبه خود با نشریه «جورنال پست» به روشنی از روابط نزدیک و رو به رشد اسرائیل و دیکتاتوری‌های حاشیه خلیج فارس سخن گفت. اوربن تصریح کرد که «در ۶۴ سال گذشته هیچ گاه این چنین منافع مشترکی بین ما و شماری از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس وجود نداشته است. ما با این کشورهای عربی درباره موضوع سوریه، مصر و فلسطین اتفاق نظر داریم. ما درباره ایران نیز توافق داریم. این یکی از فرصت‌هایی است که به واسطه بهار عربی پدید آمده است.»

جدا از تکنیک‌های شناخته شده‌ی سرکوب‌گری و مناسبات اطلاعاتی بین این رژیم‌ها، یک عامل مهم دیگر که از وجود نوعی هم‌پیمانی راهبردی بین این دو رژیم خبر می‌دهد، آن است که حامیان غربی این دو، یعنی واشنگتن و لندن، نیز مشترک هستند، کشورهایی که بر جرایم خونین این رژیم‌ها بر ضد انسانیت و مردم

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

در این راه، ارائه‌ی «کتاب‌شناسی ولایت فقیه» است؛ کتاب‌شناسی‌ای که اطلاعات کامل و جامعی از پژوهش‌های انجام‌شده را فراروی پژوهشگران بگذارد و راه را برای انجام پژوهش‌های تازه و پرهیز از کارهای تکراری هموار کند. این پژوهش، فرصتی برای محققان فراهم می‌آورد تا با نگاه به تاریخچه‌ی مسائل مطرح‌شده در این حوزه، توان و انرژی علمی خویش را برای انجام کارهای نو و کشف ابعاد جدید بگذارند و این عرصه را پایان‌یافته تلقی نمایند و به نوسازی و به‌روزرسانی نهادهای برخاسته از این اندیشه همت گمارند.

در کتاب‌شناسی ولایت فقیه، ابتدا به معرفی کتاب‌های مستقل و غیرمستقل فارسی و عربی پرداخته شده و سپس پایان‌نامه‌هایی که در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مختلف دفاع شده، مورد توجه قرار گرفته‌اند. در قسمت پایانی کتاب به مقالات نگارش‌یافته در این موضوع اجمالاً اشاره شده است. از آنجا که مقالات زیادی در روزنامه‌ها و نشریات در این موضوع به چاپ رسیده است، سعی نویسنده بر این است که مقالات منتشرشده‌ی مجلات معتبر معرفی گردند.

کتاب‌شناسی ولایت فقیه



تألیف: سلمان حبیبی

تاریخ انتشار: آبان ۱۳۹۲

معرفی کتاب: موضوع

«ولایت فقیه»، محوری‌ترین

و مهم‌ترین پایه‌ی نظام سیاسی

اسلام در عصر غیبت امام زمان

(عج) است.

اهمیت نظریه‌ی ولایت

فقیه و اثبات کارآمدی آن در دنیای کنونی، به گونه‌ای است که آن را می‌توان یگانه میدان سرنوشت‌ساز تقابل فرهنگی اسلام با اندیشه‌های مخالف در عصر حاضر دانست. این نظریه می‌تواند با ارائه‌ی الگوی شایسته و ایجاد جامعه‌ای آرمانی، بر تجدید هویت اسلامی ملت‌های مسلمان، تأثیر شگرف و انکارناپذیری بر جای گذارد. همین واقعیت‌ها و مسائل ناگفته‌ی دیگر، لزوم تلاش پیگیر و همیشگی برای تبیین روزافزون نظریه‌ی ولایت فقیه را به خوبی آشکار می‌سازد.

یکی از بهترین، مؤثرترین و سودمندترین کارها

خالد اسلامبولی



تألیف: لیلا اشرفی

تاریخ انتشار: آبان ۱۳۹۲

معرفی کتاب: «من فرعون

مصر را کشتم»

این را که فریاد زد، شلیک

گلوله‌ها قطع شد. دست مرد بالا

آمد و از درون مشت بسته‌اش،

دو انگشت باز به نشانه‌ی پیروزی به اهتزاز درآمد.

خالد اسلامبولی افسر ارتش مصر که کسی جز خانواده و دوستانش او را نمی‌شناخت به یکباره تیر اول خبرگزاری‌های بین‌المللی شد. سایه‌ی شوک ناشی از اعدام انقلابی انورسادات در مراسم رژه‌ی ارتش به دست «جاودان» - خالد - از سر جهانیان عبور کرد و آفتاب جهان‌تاب در روزی که زمین از تحمل سادات خلاصی یافت، بر مردم تابید و جوش و خروش و شادی مصر را دربر گرفت. اعدام خالد اسلامبولی که جمهوری اسلامی ایران و آزادگان در کشورهای اسلامی را به اعتراض واداشت، موجب رهایی جهان اسلام از حکومت مصر شد و قطب جهان عرب را منزوی و منقرض ساخت.